



فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات آموزشی و آموزشگاهی

ENGLISH

حسین جعفری ثانی حسین جعفری ثانی

تماس با ما

داوران

ارسال مقاله

راهنمای نویسندگان

اطلاعات نشریه

مرور

صفحه اصلی

صفحه شخصی / نویسنده / مقالاتی که بررسی و تعیین تکلیف شده‌اند

#	کد مقاله	نوع مقاله	عنوان مقاله	تاریخ ارسال	وضعیت	تاریخ آخرین تغییرات	ایمیل	فایل اصل مقاله	گواهی پذیرش	گواهی انتشار
1	PMA-2309-4273 (R3)	مقاله پژوهشی	باورهای معلمان درباره مسئولیت آنان در قبال انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان (یک مطالعه پدیدارشناسانه)	1402-07-04	منتشر شده به صورت الکترونیکی	1403-12-30				
2	PMA-2308-4219 (R1)	مقاله پژوهشی	تجارب زیسته دانش‌آموزان در خصوص اقدامات انگیزشی و ضد انگیزشی معلمان در فرآیند یاددهی-یادگیری	1402-06-01	پذیرفته شده (علمی)	1403-09-04				
3	PMA-2104-4370			1402-10-10		1403-10-10				

این وب سایت از کوکی ها برای اطمینان از ارائه بهترین خدمات استفاده می‌کند.

ق-ظ 11:51
۱۴۰۴/۰۳/۰۶

تجارب زیسته دانش‌آموزان در خصوص اقدامات انگیزشی و ضد انگیزشی معلمان در فرآیند یاددهی - یادگیری

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تجارب زیسته‌ی دانش‌آموزان در خصوص اقدامات انگیزشی معلمان در فرآیند یاددهی - یادگیری انجام شده است. با توجه به ماهیت موضوع مورد مطالعه، پژوهش حاضر از حیث هدف در زمره پژوهش‌های کاربردی و از حیث روش پژوهش، از نوع پدیدارشناسی توصیفی با رویکرد کیفی است. میدان مطالعه این پژوهش، مدرسه دخترانه‌ی امام رضا (ع)، دوره اول متوسطه واقع در منطقه تبادکان مشهد بوده است و نمونه پژوهش دانش‌آموزان پایه هفتم، هشتم و نهم دبیرستان بوده که به صورت نمونه‌ی هدفمند مورد مطالعه قرار گرفتند. برای گردآوری داده‌ها، از مصاحبه نیمه ساختار یافته فردی تا رسیدن به اشباع نظری استفاده شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش سه مرحله‌ای کدگذاری اشراف و کوربین استفاده شده است. جهت کسب اعتبار پژوهش از روش‌های بررسی توسط مشارکت‌کنندگان، کدگذاری ثانویه، تبادل نظر با هم‌تایان و تحلیل موارد منفی استفاده شد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که اقدامات انگیزشی معلمان، شامل ۳ مرحله‌ی ایجاد انگیزه، تداوم انگیزه و ماندگاری انگیزه می‌باشد؛ و اقدامات ضد انگیزشی آنان شامل ۳ محورهاست که عبارتند از: اقداماتی که سبب عدم برقراری ارتباط مناسب می‌شود، اقداماتی که سبب احساس عدم کفایت و شایستگی در دانش‌آموزان می‌شود و اقداماتی که سبب احساس عدم اعتماد در دانش‌آموزان می‌شود.

واژه‌های کلیدی: تجربه زیسته، اقدامات انگیزشی و ضد انگیزشی، فرآیند یاددهی - یادگیری

با احترام به تیم مجله وزین و سردبیر و داروان محترم.. خداقوت با آرزوی تندرستی اصلاحات به شرح ذیل طبق توصیه

داوران محترم انجام شد

۱. در بیان مساله از ۶ تا منبع جدید لاتین استفاده شد و بند ها و جدانویسی های بیان مساله اصلاح شد

۲ پیشنهادهای کاربردی برگرفته از یافته ها اصلاح شد

۳ نمودار شماتیک کلی یافته ارایه شد

۴. رفرنس های درون متنی در جاهایی که لازم بود شماره صفحه ذکر شد

داوران عزیزو محترم یافته ها قبلا هم هم بصورت دستی و هم در بخشی از متن و مصاحبه جهت تحلیل یه صورت آزمایشی

از نرم افزار کیفی در این زمینه استفاده شده بود که نتایج کاملا مشابه بوده و مضامین و مقوله های استخراج شده با دقت نهایی شدند.. و از کد گذار دوم نیز در انجام کد گذاری و مرور مصاحبه کمک گرفته شد. مضامین و مفاهیم و مقوله کاملا از متن مصاحبه ها احصاء شده و مضامین محوری و مقوله ها در ۹۰ درصد متن مصاحبه های همه دانش آموزان بصورت مکرر تکرار و مشابه دیده شد. در عین حال با مرور و مجدد به متن مصاحبه مقوله های جدیدی استخراج و در کار ارائه شد.

بیان مسأله

انگیزش^۱، از مباحث کلیدی تعلیم و تربیت است که شناسایی مفهوم آن و آگاهی از فنون ایجاد و افزایش آن در دانش-آموزان به معلم کمک می کند تا در اجرای برنامه های آموزشی خود، روش های بهتری را به کار گیرد. کلمه انگیزش، از فعل لاتین mover به معنی حرکت مشتق شده است. انگیزش، نیاز به نوعی اقدام یا حرکت دارد چه فیزیکی و چه ذهنی (الن کریس^۲، ۲۰۱۱). انگیزه تحصیلی موضوعی است که در تحقیقات آموزشی در حال رشد بوده و تحت تأثیر عواملی چون حمایت اجتماعی، جهت گیری هدف، پیشرفت، اضطراب و خودکارآمدی دانش آموزان می باشد. در واقع انگیزه تحصیلی فرآیند پویا و مداوم بوده که این فرآیند تحت تأثیر عوامل ذاتی و عوامل بیرونی است (گراسیانی هیدا جات، هانور وان، چونسنیا، راهامواتی^۳، ۲۰۲۰). در حوزه ی آموزشی، انگیزه یک پدیده سه بعدی است که در برگیرنده ی باورهای شخصی درباره ی توانایی انجام فعالیت مورد نظر، دلایل یا اهداف فرد برای انجام آن فعالیت و واکنش عاطفی مرتبط با انجام آن فعالیت می باشد. با وجود انگیزه، دانش آموزان محرک لازم را برای به پایان رساندن موفقیت آمیز یک تکلیف، رسیدن به یک هدف آموزشی یا دستیابی به درجه ی معینی از شایستگی در کار خود را پیدا می کنند (یوسفی، قاسمی و فیروزنیا، ۱۳۸۸). مطالعات بیانگر آن است که انگیزش یک حالت درونی است که باعث می شود افراد اقدامات هدفمند را به گونه ای انجام دهند که مشوق انجام فعالیت های بعدی نیز باشد. اگرچه انگیزه به عنوان یک محتوای پویاست، اما نمی توان اهمیت موقعیت یا زمینه را نادیده گرفت. عناصر تشکیل دهنده و شتاب دهنده انگیزه تحصیلی در دانش آموزان ارزش ها، علایق، اهداف، برنامه ریزی، مشوق ها، محیط، اطلاعات شخصی فرد و خودشناسی، عزت نفس و خودکارآمدی می باشد که در افزایش یا کاهش انگیزه تأثیر می گذارد (فورتس و همکاران^۴، ۲۰۲۰). انگیزش درونی^۵، یعنی این که فرد، فعالیتی را برای نفس آن عمل انجام بدهد و رضایت و خشنودی شخصی اش عامل انجام آن فعالیت باشد. انگیزش بیرونی^۶ به نوعی گرایش انگیزشی اشاره دارد که به تنهایی از طریق لذت بردن از درگیر شدن در فعالیت چالش برانگیز و توانمندسازی برانگیخته نمی شود بلکه عوامل خارج از فعالیت مانند پول، تبلیغات و... آن را تنظیم می کند (آنا موونوز و مارتا رامیز^۷، ۲۰۱۵). افراد دارای انگیزه درونی احساس کفایت بیشتری نسبت به افراد با انگیزه بیرونی دارند زیرا انگیزه بیرونی باعث می شود که فرد منحصرأً برای پاداش کار کند پس باید سعی کرد تا درکلاس انگیزه های بیرونی را درونی کرد. استیون رکورد کری^۸ معتقد است که "انگیزش، آتش از درون است. اگر شخص دیگر سعی در روشن نگه داشتن این آتش در درون شما را داشته باشد؛ شانس کوتاه مدتی دارد. انگیزه درونی یک محرک درونی است که دانش آموزان را به یادگیری فعال تحریک می کند مفهوم انگیزه تحصیلی با مفهوم علاقه متفاوت است انگیزه درونی به نوبه خود و به طور مستمر ناشی از عوامل مؤثر بر انگیزه تحصیلی یعنی حمایت اجتماعی است (همسالان، سخنرانان، خانواده، دیگران)، جهت گیری هدف (گرایش، تسلط، اثبات هدف، جهت گیری)، تجربه شکست، اضطراب، موفقیت و خودکارآمدی است (گراسیانی هیدا جات، هانور وان، چونسنیا، راهامواتی^۳، ۲۰۲۰). اما از مهم ترین عاملی که مستقیم با میزان یادگیری رابطه مثبت دارد، سطح توانایی یادگیرندگان است. پس از آن، دو عامل مهم دیگر،

1- motivation

2- Allen Criss

3 Graciani Hidajat Hanurawan, Chusniyah & Rahmawati

4 Fuertes & et all

5- intrinsic motivation

6- extrinsic motivation

7 - Muñoz, A., & Ramirez, M

8- Stephen R. Covey

یکی آموزش معلم و دیگری انگیزش برای یادگیری بودند. برای این که ما چیزی را یاد بگیریم باید: به یادگیری آن راغب باشیم، قدرت و توانایی یادگیری آن را داشته باشیم، فرصت و امکان یادگیری آن به ما داده شود و در آن چه یاد می‌گیریم راهنمایی لازم شده باشد. از این چهار عامل، سه عامل قدرت، فرصت و راهنمایی وقتی سودمند خواهند بود که ما یاد گرفتن را بخواهیم، یعنی محرک یا انگیزه ای ما را به آموختن برانگیزد... وجود انگیزه نه تنها برای آغاز یادگیری ضروری است، بلکه برای ادامه و تقویت آن و حل مسائل و مشکلاتی که پیدا می‌شود و کاربرد آموخته‌ها در اوضاع تازه نیز ضرورت دارد و بدین سبب است که انگیزه قوی، دقت و تمرکز فعالیت ذهنی را زیاد می‌کند، پیدایش خستگی را به تأخیر می‌اندازد و پذیرش راهنمایی را در یاد گیرنده بیشتر می‌کند. به این ترتیب انگیزه یا محرک، شرط ضروری هرگونه یادگیری است (محمدی، ۱۳۹۰). انگیزش هم هدف است و هم وسیله، به عنوان هدف، ما از دانش‌آموزان می‌خواهیم نسبت به موضوعات مختلف علمی و اجتماعی علاقه‌کسب کنند. ازاین رو، تمام برنامه‌های درسی که در آنان فعالیت‌های حیطه عاطفی ملحوظ شده است، دارای هدف انگیزشی هستند. به عنوان وسیله، انگیزش مانند آمادگی ذهنی است که عنوان رفتار ورودی، یک پیش‌نیاز یادگیری به حساب می‌آید و تأثیر آن بر یادگیری کاملاً آشکار است. (سیف، ۱۳۸۰). گرچه انگیزه تحصیلی و درونی در بین دانش‌آموزان با متغیرهای جنسیت، سال تحصیلی، پیشرفت تحصیلی و انتظارات برای ادامه تحصیلات ارتباط دارد اما انگیزه تحصیلی و احساس شایستگی را می‌توان با گنجاندن عوامل تشویق‌کننده مفید و بالا بردن خود کارآمدی افزایش داد. دانش‌آموزانی که مهارت‌های شناختی مناسبی را کسب می‌کنند با گذشت زمان و داشتن انگیزه کافی برای مشارکت در یادگیری، مهارت‌های خود تنظیمی در یادگیری را آموخته‌اند و تکالیف یادگیری را ذاتاً محرک و ارزشمند می‌بینند و در نتیجه دانش‌آموزان با سطح پیشرفت تحصیلی بالا انگیزه تحصیلی بیشتری دارند. همچنین محیط‌هایی یادگیری که از استقلال حمایت می‌کند، انگیزه خودمختاری در دانش‌آموزان را به معناداری افزایش داده و در ادامه کار پیشرفت تحصیلی را به همراه دارد (کویان سوگلیو^۹، ۲۰۲۱). از طرف دیگر هنگامی که دانش‌آموزان علاقه‌ای به موضوع درس ندارند، برشیوه‌ی واکنش و گوش دادن آن‌ها به معلم تأثیر می‌گذارد. و زمانی که بسیاری از دانش‌آموزان بر این باور باشند که قادر به گذراندن درس نیستند، معلم نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد. در مواجهه با دانش‌آموزان بی‌علاقه، معلمان ممکن است با بی‌تفاوتی نسبت به یادگیری و پیشرفت دانش‌آموزان و به عنوان رفع تکلیف، درس را به صورت یک‌طرفه، یکنواخت و بدون تعامل ارائه و تمام نمایند. (کاوه، ۱۳۸۹). هم‌چنین اهمیت انگیزش در یادگیری به اندازه‌ای است که حتی می‌تواند کاستی‌های موجود در توانایی و استعداد افراد را جبران کند (متقی، یزدی، بنی جمالی و درویره، ۱۳۹۳ نقل شده از سیرز و دورنی^{۱۰}، ۲۰۰۵). البته موفقیت دانش‌آموزان تا حد زیادی به طیف گسترده‌ای از حوزه‌های علمی، دانش زمینه‌ای، عوامل محیطی تأثیرگذار، اقدامات انگیزشی و توانایی آنها در تصور، دستکاری و هدایت اطلاعات پیچیده بستگی دارد. هنگام بررسی انگیزه‌ها و رفتارهای دانش‌آموزان، طیف گسترده‌ای از روش‌ها، اقدامات و مداخلات وجود دارد که از بین آنها می‌توان انتخاب کرد حتی قوانینی که در محیط خانواده می‌تواند برای ارتقای سطح تحصیلی دانش‌آموزان مورد استفاده قرار گیرد، نیز تأثیرگذار است (هاندس و لیمنی^{۱۱}، ۲۰۲۳). امروزه ایجاد انگیزش در دانش‌آموزان به

⁹ Koyuncuoglu

¹⁰ - Csizer & Dornyei

¹¹ Hands & Limniou

یکی از دغدغه‌های اصلی معلمان و والدین تبدیل شده است. برای نیل به این هدف، یعنی ایجاد و افزایش انگیزه در دانش آموزان، باید از عوامل تأثیر گذار در این زمینه و همچنین نظریه‌های موجود و پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه آگاه شد. عوامل مؤثر بر انگیزش دانش‌آموزان به چهار گروه خانوادگی، فردی، آموزشگاهی و محیطی طبقه‌بندی می‌شوند. از جمله عوامل خانوادگی مؤثر بر انگیزش دانش‌آموزان می‌توان به نظارت والدین، انتظار والدین از موفقیت فرزندان، شیوهی فرزندپروری، کیفیت روابط والدین و فرزندان و وضعیت اجتماعی- اقتصادی اشاره کرد. از عوامل فردی تعیین‌کننده در انگیزش دانش‌آموزان، می‌توان به خودکارآمدی تحصیلی^{۱۲}، ادراک شایستگی^{۱۳}، ادراک کنترل^{۱۴}، اسنادها^{۱۵}، اهداف پیشرفت و نگرش نسبت به مدرسه^{۱۶} اشاره کرد. عامل دیگر مؤثر بر انگیزش دانش‌آموزان، عوامل محیطی است که از آن جمله می‌توان به تعامل با دوستان و همسالان، آینده‌ی شغلی و فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی اشاره کرد. عوامل آموزشگاهی، از دیگر عوامل تأثیرگذار بر انگیزش می‌باشد. از جمله‌ی این عوامل می‌توان به روش آموزش، برنامه‌ی درسی یا اهداف و انتظارات، وسایل آموزشی، نظام پاداش و تنبیه، حمایت عاطفی از دانش‌آموزان، افزایش احترام متقابل، اشتیاق معلم، رفتارهای معلم، افزایش تعاملات معلم و دانش‌آموز و شیوهی ارزشیابی اشاره کرد (طاهری، ۱۳۸۹). تلاش اغلب معلمان، به جای افزایش انگیزه یادگیری در دانش‌آموزان، اغلب صرف آرام ساختن و منضبط نگه داشتن کلاس می‌شود. معلم باید زمینه‌ای فراهم کند که در آن دانش‌آموز به درگیری در فعالیت‌های یادگیری برانگیخته شود (مصیبی و صادقی نیا، ۱۳۹۴). از دیدگاه روانشناسان و معلمان، انگیزش یکی از مفاهیم کلیدی است که برای توضیح سطوح مختلف عملکرد به کار می‌رود و یکی از عوامل اصلی بروز رفتار است و می‌تواند به عنوان محرک فعالیت‌های انسان و عامل جهت دهنده اوتعریف کرد. افراد نه تنها از نظرمیزان انگیزش متفاوت اند، بلکه از نظرجهت ونوع انگیزش نیزاختلاف دارند و این تعارض درنوع انگیزش به اهداف اساسی که باعث انجام کار می‌شوند، ارتباط دارد. همچنین بی انگیزشی نیز اشاره به افرادی دارد که هیچ گونه انگیزه ای یعنی خشنودی وارزشمندی درونی یا مشوق‌های بیرونی برای فعالیت‌های خود دریافت نمی‌کنند و در نتیجه از انجام آنها اجتناب می‌کنند (کویان سوگلیو^{۱۷}، ۲۰۲۱). همچنین مفهوم انگیزش برای معلم، می‌تواند مهمتر از هوش یا استعداد باشد. در واقع، اگر قرار باشد هوش یا استعداد افزایش یابد، باید سازه‌های انگیزشی به کار گرفته شود. زیرا تا معلم دانش‌آموزان را برنیانگیزد، نمی‌تواند از هوش یا استعداد آنها در یادگیری استفاده کند (ساموئل بال^{۱۸}، ۱۳۷۳). بسیاری از خانواده-ها، ضعف در انگیزش نوجوانان را متوجه آموزش و پرورش و خصوصاً معلمان می‌دانند و ملاک درستی نظر خود را تفاوت عشق به آموزش در سال‌های اول ورود به مدرسه با پدیده‌ی تنفر از محیط مدرسه در دوره‌های راهنمایی و دبیرستان می‌دانند (طاهری نقل شده از فرستون، ریوم، لتارت، دوگاس، لادیسوسر^{۱۹}، ۱۹۹۴). پانپی و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهش خود، با هدف ایجاد انگیزه در تدریس و نقش آن در تثبیت یادگیری، ضمن توجه به انگیزش درونی نسبت به انگیزش بیرونی، راهبردهایی ارائه می‌کند. ایجاد

12- Academic self - efficacy

13- Perceived competence

14- Perceived control

15- Attributions

16- Attitude toward school

17 Koyuncuoglu

18- Samuel Ball

19- Freeston & Rheume & Letarte & Dugas & Ladouceur

انگیزه فقط وظیفه معلم نیست و باید در معماری مدرسه و کلاس درس نیز به اصول ایجاد انگیزه متناسب با هر رده سنی توجه نمود. هاندس و لیمنی ایو^{۲۰}، (۲۰۲۳)، در پژوهشی راهبردهای انگیزشی برای یادگیری را در پرسشنامه ای جدید (MSLQ) بررسی کردند که نمونه مورد بررسی در این پژوهش در مجموع ۱۲۴۶ دانشجو از دانشگاه های شمال انگلستان، در حال تحصیل در رشته ای مختلف بودند که پرسشنامه را به طور کامل تکمیل کردند. تحلیل عاملی پرسشنامه ۲۴ سوالی شامل ۶ عامل: اضطراب امتحان، خودکارآمدی، تنوع منابع، مهارت های مطالعه، خودتنظیمی و سودمندی دوره می باشد و در نهایت نتایج نشان داد که راهبردهای انگیزش در یادگیری (DSML)، قدرت پیش بینی خوبی برای دانش آموزان با یا بدون موفقیت تحصیلی دارد و می تواند به عنوان یک ابزار نظارتی سریع و زود هنگام برای سنجش انگیزه و مطالعه دانش آموزان استفاده شود. چو^{۲۱} (۱۹۶۶)، در پژوهشی مرتبط با بحث انگیزش واکاوی سازه ای انجام داد. این سازه ها از قرار زیرند: ۱ - جهت گیری مثبت نسبت به یادگیری مدرسه ۲ - نیاز برای شناخت و پذیرش اجتماعی ۳ - انگیزه پرهیز از شکست ۴ - کنجکاوی (هم تجربی و هم ادراکی). ۵ - هم نوایی. آنا موونوز و مارتا رامیز (۲۰۱۵)، نشان می دهد که توانایی معلمان در افزایش انگیزه، عمدتاً بر روی روابط خوبی که با دانش آموزان برقرار می کنند، متمرکز است. براساس نتایج حاصله از این پژوهش، برای ارتقا استقلال و شایستگی، ابتدا باید شرایط اجتماعی مناسب، یعنی روابط معنادار معلم و دانش آموز را تعیین کنیم. الن کریس (۲۰۱۱)، در پژوهش خود با عنوان "رقصیدن در کل شب، انگیزش در آموزش و پرورش"، یکی از بزرگ ترین چالش هایی که معلمان نوجوانان با آن روبرو هستند را ضرورت وجود انگیزش می داند. به اعتقاد وی، یک معلم تاثیرگذار می تواند انگیزه در دانش آموزان را با ایجاد روابط با آن ها و تحریک دامنه عاطفی ایجاد کند. ادوارد ال. دسی، ریچارد کاسنر و ریچارد ام. رایان^{۲۲} (۲۰۰۱)، در مقاله خود با عنوان "پاداش بیرونی و انگیزه درونی در آموزش و پرورش: دوباره بازنگری می شود"، این یافته پژوهشی را که پاداش های بیرونی، انگیزه درونی را کاهش می دهد را مورد بررسی قرار می دهند. آن ها عنوان می کنند که این یافته پژوهشی جنجال برانگیز، ابتدا توسط دسی در سال ۱۹۷۱ مطرح گردیده است اما متا آنالیز کامرون و پیرس (۱۹۹۴) خلاف آن را ثابت کرد. آنها نتایج ۱۲۸ آزمایش را در ۲ دسته جداگانه مورد بررسی قرار می دهند و با رد متا آنالیز کامرون و پیرس، این گونه نتیجه گیری می کنند که پاداش های ملموس به طور قابل ملاحظه ای، انگیزه ی درونی را کاهش می دهد و همچنین نظریه ارزیابی شناختی (CET) را مورد تایید قرار می دهند و روشن می سازند که معلمان در هنگام استفاده از سیستم های انگیزشی مبتنی بر پاداش، به مراقبت های ویژه مطرح شده در CET نیاز دارند.

نتایج پژوهش ها نشان می دهند که انگیزش تحصیلی در طول دوره ی نوجوانی کاهش می یابد (هانسن، بیانچی^{۲۳}، ۲۰۱۴). از طرفی به کارگیری نادرست روش های مختلف ایجاد انگیزش از سوی والدین و معلمان برای ایجاد انگیزش در دانش آموزان نه تنها مؤثر واقع نمی شود بلکه تأثیرات منفی در انگیزش تحصیلی آنان می گذارد (عباس زاده، علیزاده اقدم و کوهی، ۱۳۸۷ نقل شده از شانک و پرت ریش^{۲۴}، ۱۹۹۶). در نتیجه برای افزایش آگاهی معلمان و والدین در ایجاد انگیزه و پرهیز از به کارگیری روش -

²⁰ Hands & Limniou

²¹ - Chiu

²² -Edward L. Deci & Richard Koestner & Richard M. Ryan

²³ - Hansenne & Bianchi

²⁴ - Schunk & Pirtrich

های نادرست در این زمینه، نیاز به انجام تحقیقات گسترده‌ای ضرورت دارد دانش آموزانی که انگیزه درونی برای یادگیری دارند یا اهداف بیرونی و درونی اهدافمند دارند، سطوح بالاتری از رضایت را از جمله بهزیستی روانشناختی بهتر و پیشرفت تحصیلی بالاتر را از تحصیلات خود نشان می دهند...یادگیری نقش مهمی در تأثیرگذاری بر تجربه دانش آموزان از انگیزه دارند اما در این بین موانعی نیز وجود دارد از جمله عواملی مانند فشار مدیریتی معلمان و مدیران برای پیروی از برنامه های درسی تحمیلی و دستیابی به اهداف عملکردی سطوح بالا، انتظارات والدین از جمله این محدودیت ها هستند(کینگ و بیونس ۲۰۲۰، ۲۵). متأسفانه یکی از مشکلات شایع نظام آموزشی بسیاری از کشورها، پایین بودن سطح انگیزه تحصیلی در بین یادگیرندگان می باشد که سالانه زبان های علمی، فرهنگی و اقتصادی زیادی را متوجه دولت ها و خانواده ها می کند و نظام آموزشی کشورها را با افت تحصیلی مواجه می سازد. بنابراین جهت کم کردن خسارت ناشی از کاهش انگیزه تحصیلی باید تحقیقات گسترده ای در این زمینه صورت بگیرد. از طرف دیگر، موضوع مهم دیگری که آموزش و پرورش ما را تهدید می کند مسئله ترک تحصیل دانش آموزان در مقطع دبیرستان می باشد. علاوه بر فقر مالی که بر اشتغال کودکان و نوجوانان منجر می شود، فقر انگیزشی نیز نقش مهمی ایفا می کند (متقی و همکاران، ۱۳۹۳). بنابراین، با ایجاد شرایطی که انگیزش دانش آموزان را برای یادگیری افزایش دهد و این انگیزش پایدار بماند، می توان به بهبود یادگیری و کاهش آمار ترک کنندگان تحصیل امیدوار شد. با توجه به اهمیت انگیزش، لازم است برای ایجاد یک نظام آموزشی موفق و پویا به این امر مهم توجه بیشتری شود. بر اساس تحقیقاتی که صورت پذیرفت، بیشتر پژوهش های صورت گرفته در زمینه انگیزش تحصیلی به صورت کمی می باشد. در صورتی که اگر بخواهیم مسأله ای با این پیچیدگی را مورد بررسی قرار دهیم و ماهیت آن و فرآیند شکل گیری را در بستر طبیعی نشان دهیم و به کنه واقعیات پی ببریم، پژوهش کیفی بیشتر به ما کمک می کند. هم چنین پژوهش های صورت گرفته در این زمینه، بیشتر از منظر روان شناسان، نظریه پردازان، مدیران، صاحب نظران و مسئولین می باشد و در این دست پژوهش ها، بررسی انگیزش از دید و نظر دانش آموزان مورد غفلت واقع شده است. در حالی که تمام فعالیت ها و تلاش های آموزشی به خاطر دانش آموزان صورت می گیرد و دانش آموزان هستند که این فعالیت ها را دریافت می نمایند. برای آن که به توان واقعیت ها را آن طور که هستند بازنمایی نمود؛ باید دید دانش آموزان چه چیزی درک می کنند. از این رو، در این پژوهش سعی بر آن است که این موضوع از منظر دانش آموزان و به صورت کیفی مورد بررسی قرارگیرد و ادراکات و تجربیات بی واسطه آن ها در خصوص اقداماتی که معلمان شان به کار بسته اند که در آن ها باعث ایجاد و یا افزایش انگیزه شده و یا بالعکس اقداماتی که باعث کاهش و یا از بین رفتن انگیزه در آن ها شده است؛ مورد کنکاش قرار گیرد.

سؤالات اصلی پژوهش:

- ۱- تجربه زیسته دانش آموزان در خصوص اقدامات معلمان شان که باعث ایجاد و افزایش انگیزه در آنان شده است، چیست؟
- ۲- تجربه زیسته دانش آموزان در خصوص اقدامات معلمان شان که باعث از بین رفتن و یا کاهش انگیزه در آنان شده است، چیست؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر از حیث هدف، کاربردی است، زیرا توسعه دانش کاربردی و ارائه ی راهکارهای سازنده به معلمان در خصوص اقدامات انگیزشی و ضدانگیزشی در فرایند یاددهی - یادگیری در مرکز توجه آن بوده است؛ و از آنجایی که مسأله پژوهش این پژوهش "تجربه زیسته ی دانش آموزان در خصوص اقدامات انگیزشی و ضدانگیزشی معلمان است، تحقیق کیفی از نوع پدیدارشناسی توصیفی است؛ چرا که تنها راه تجربه نیز توصیف فردی «تجربه زیسته»^{۲۶} است. به منظور حفظ محیط طبیعی، مطالعه درجایی که پدیده و فرآیندهای مربوط به آن رخ داده، انجام شده- است. از این رو سعی شد مدرسه ای که در منطقه خدمت پژوهشگر می باشد، انتخاب شود و هم چنین با توجه به این که دانش آموزان این مدرسه از شاگردان قبلی پژوهشگر بوده اند؛ شناخت نسبی دانش آموزان و هم چنین دارا بودن بینه علمی خوب و داشتن قدرت بیان و استدلال بالای آنان از ویژگی هایی بود که این مدرسه به عنوان میدان پژوهش انتخاب شد. جمع آوری داده ها با استفاده از نمونه گیری هدفمند تا رسیدن به اشباع داده ها ادامه یافت، فرایندی که چندین ماه به طول انجامید. تعداد مشارکت کننده ها در این پژوهش تا رسیدن به مرحله اشباع مجموعاً ۱۶ نفر بودند که ۵ نفر از پایه هفتم، ۵ نفر از پایه ی هشتم و ۶ نفر از پایه نهم بودند. روش اصلی برای گردآوری اطلاعات در این پژوهش مصاحبه ی نیمه ساختاریافته با سوالات باز می باشد؛ که برای جمع آوری داده های انعطاف پذیر و اکتشافی در پژوهش های کیفی مناسب است؛ به این ترتیب که محورهای اصلی مصاحبه ها مشخص گردید و سوالات پژوهشی مرتبط با محورها طرح گردید و سوالات ضمنی زیادی در حین مصاحبه برای روشن تر شدن تجارب مشارکت کنندگان مطرح گردید. تجزیه و تحلیل اطلاعات حاصل از مصاحبه ها، براساس کدگذاری استراوس و کوربین (۱۹۹۰)، طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی، انجام گرفت. در گام اول پژوهش تمام مصاحبه ها با نهایت دقت بررسی و نکات کلیدی کدبندی شدند. پس از بررسی جمله به جمله، و مشخص شدن داده های خام برای رسیدن به کدهای اولیه، کلیه جملات و عبارات به دقت بررسی و پیام اصلی یا مفهوم اساسی نهفته در هریک از عبارات ها استخراج شد. در برخی موارد اطلاع رسان ها از اصطلاحاتی استفاده می کردند که مستقیماً به عنوان یک کد قابل استفاده بود و در برخی موارد مفهومی در ورای جملات پنهان بود که محقق یک مفهوم را به آن نسبت داده و بصورت یک کد اولیه در نظر گرفته است. کدهای اولیه با توجه به سنخیت و یکسانی با سایر کدهای کشف شده ذیل مفهوم کلان تری قرار گرفته و این فرایند بارها تکرار شد تا پس از پالایش های مکرر کدهای اولیه به مفاهیم نیز هریک بر اساس فرایند تجانس مفهومی در قالب مفاهیم گسترده تر به عنوان مقوله سازماندهی شدند و همین طور مقولات بوجود آمده نیز بر اساس منطق مقایسه مستمر بر حسب تشابه مفهومی در سطحی مفهومی تر در قالب طبقات با یکدیگر تلفیق شدند. گویا و لینکلن (۱۹۸۵) مفهوم « قابلیت اعتماد»^{۲۷} را جهت دقت علمی پژوهش کیفی مطرح کردند. این مفهوم از چهار عنصر زیر

²⁶ . lived experiences

²⁷ -Trust worthiness

تشکیل می‌شد: قابلیت اعتبار^{۲۸}، قابلیت انتقال^{۲۹}، قابلیت تایید^{۳۰}، قابلیت اتکا^{۳۱}. آنان این چهار عنصر را برای ارزیابی روایی و دقت و استحکام علمی مطالعات و داده‌های کیفی پیشنهاد نمود. به منظور رعایت قابلیت اعتبار پژوهش سعی گردید از روش‌های مختلف هم‌چون بررسی از زوایای مختلف، تبادل نظر با هم‌تایان و تحلیل موارد منفی استفاده شود. پژوهشگر با دقت سعی کرد سوالاتی روشن و دور از ابهام طرح کند و هم‌چنین برای رسیدن به فهم پرمایه از یک موضوع به یک سوال اکتفا ننموده و چندین سوال در پیرامون آن موضوع مطرح گردید و از مشارکت‌کنندگان خواسته شد که تجارب و نظرات خود را به طور واضح در مورد معلمان بیان کنند. هم‌چنین برای باورپذیر بودن نتایج، مصاحبه‌ها در اختیار مشارکت‌کنندگان قرار داده شد تا تعیین‌کنند که توصیفات آن منعکس‌کننده تجربیات آن‌ها هست یا خیر. از دیگر اقدامات می‌توان به گفت و گو با همکاران و برگزاری نشست‌های منظم با آنان در رابطه با طرح سوالات و پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان و استخراج مفاهیم اشاره کرد. هم‌چنین با توجه به موضوع پژوهش یعنی اقدامات انگیزشی معلمان، پژوهشگر سعی کرد تبیینات متناقض تفسیر شده در داده‌ها را با بررسی‌های مکرر حل نماید. تأییدپذیری این پژوهش از طریق مرور و بازبینی‌های دقیق و چندین باره داده‌ها، تفسیرها و یافته‌های این مطالعه حاصل گردید، هم‌چنین از کدگذار دوم نیز استفاده شد. بدین منظور گزارشات، دست‌نوشته‌های پژوهش به محقق دیگری داده شد و پس از بررسی‌های لازم هر دو کدگذار به یافته‌های مشابهی دست یافتند. صرف زمان طولانی در میدان و مشاهده مداوم، استفاده از فن کنترل نتایج و یافته‌ها توسط پژوهشگران و تأیید آن‌ها از جمله مواردی بود که میزان موثق بودن داده‌های پژوهش را به حد قابل قبولی افزایش داد.

یافته

پاسخ به سؤال اول پژوهش

تجربه زیسته دانش‌آموزان در خصوص اقدامات معلمانشان که باعث ایجاد و افزایش انگیزه در آنان شده است،

چیست؟

پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها، سعی شد برای هر جمله و عبارت، واقع‌ها در آورده شود. واقع‌ها مورد بررسی قرار گرفت و با توجه به دغدغه‌ها و دل‌نگرانی‌های مصاحبه‌کننده‌ها، مفاهیم پژوهش، از یک یا چند واقع‌ها به دست آمد. مفاهیم نیز مورد مقایسه قرار گرفت و با توجه به وجوه مشترک مفاهیم و حذف داده‌های نامرتبط، مقوله‌های اصلی پژوهش مشخص شدند. پس از تجزیه و تحلیل مقوله‌ها، مضامین پژوهش نیز مشخص شد. در رابطه با سوال اول پژوهش، ۳ مضمون اصلی به شرح زیر استخراج شد:

²⁸ -Credibility

²⁹ - Transferability

³⁰- Conformability

³¹ - Dependability

جدول ۱: جدول مضامین، مقوله‌ها و مفاهیم اقدامات افزایش انگیزش معلمان

مضمون	مقوله	مفاهیم
ایجاد انگیزه	جلب توجه دانش‌آموزان	۱- استفاده از طرح سوال ۲- استفاده از روش های متنوع و جذاب تدریس ۳- استفاده از رسانه‌های مختلف آموزشی ۴- استفاده از طنز، ، بازی و ...
	تحریک دانش‌آموزان	۱- برانگیختن حس رقابت سالم در بین دانش‌آموزان ۲- تعیین جایزه و امتیاز ۳- بیان جملات تأثیرگذار و هشداردهنده ۴- تحریک حس کنجکاوی (طرح یک معما و مسأله چالش برانگیز)
تداوم انگیزه	استفاده از تشویق	۱- تشویق در جمع ۲- تشویق در برابر والدین ۳- توجه به رفتار مثبت دانش‌آموزان و تشویق و گوشزد کردن آن ۴- تشویق دانش‌آموز با ارفاق نمره ۵- توجه‌کردن به علایق و آرزوهای دانش‌آموزان و استفاده از آن برای تشویق
	بالا بردن اعتماد به نفس دانش‌آموزان	۱- اهمیت دادن به نظرات دانش‌آموزان ۲- دادن مسئولیت به دانش‌آموزان ۳- دل‌گرم و امیدوار کردن دانش‌آموزان ۴- شناسایی استعداد دانش‌آموزان و راهنمایی آن‌ها ۵- توجه به تلاش و زحمت دانش‌آموزان

۱- صحبت کردن درباره آینده با دانش‌آموزان ۲- صحبت کردن درباره مهارت‌های مفید زندگی ۳- مثال زدن از تجربیات شخصی معلم ۴- بیان اهداف آموزشی به دانش‌آموزان ۵- دعوت از افراد متخصص و مطلع برای آشنایی به رشته خاص ۶- بازدید از مراکز علمی و جشنواره‌ها	بالا بردن آگاهی دانش‌آموزان
۱. فراهم کردن زمینه مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های آموزشی ۲. کشاندن درس به خارج از کلاس	درگیر کردن دانش‌آموزان ماندگاری انگیزه
۱- تقدیر از دانش‌آموزان به سبب بروز توانمندی‌های او ۲- آموزش یک مهارت جدید	چشاندن احساس لذت و رضایت
۱- بارور کردن استعداد و توانمندی‌های دانش‌آموزان ۲- بها دادن به خلاقیت و نوآوری دانش‌آموزان	چشاندن احساس کفایت و شایستگی

-ایجاد انگیزه

منظور از ایجاد انگیزه، مرحله‌ای است که در آن اقداماتی صورت می‌گیرد که باعث به وجود آمدن توجه، علاقه و تمرکز به موضوع درسی در دانش‌آموزان می‌شود؛ که ممکن است زود گذر و کوتاه مدت باشد این مضمون، شامل ۲ مقوله اصلی جلب توجه و تحریک دانش‌آموزان می‌باشد.

-جلب توجه دانش‌آموزان

شاید بتوان گفت اولین کاری که معلم برای برانگیختن دانش‌آموزان بایستی انجام دهد، جلب توجه آن‌ها به موضوع تدریس می‌باشد. ایجادتوجه به موضوع درس خیلی مهم است. در این پژوهش، ۴ اقدام برای جلب توجه دانش‌آموزان از نظرات و صحبت‌های دانش‌آموزان به دست آمد، که عبارت است از:

-استفاده از طرح سوال

پرسش مناسب و به موقع، اقدامی است که معلمین می‌توانند آن را چه در ابتدای تدریس و چه در پایان تدریس، برای جلب توجه دانش‌آموزان مطرح کنند؛ تا آن‌ها به موضوع درس فکر کنند و با آن درگیر شوند. واضح است که در این میان انتخاب سوال از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

"بعضی از معلم‌ها مستقیم وارد تدریس نمی‌شوند و فقط از روی کتاب نمی‌خوانند مثلاً با یک سوال درس را شروع می‌کنند، این کار باعث می‌شود ما به موضوع درس توجه کنیم و با توجه بیشتری به درس گوش کنیم".

"طرز سوال پرسیدن برخی از معلمان طوری است که ما را ترغیب به خواندن درس آینده می‌کند".

-استفاده از روش‌های متنوع و جذاب تدریس

برای جلب توجه و علاقه فراگیران به موضوع درس، می‌توان متناسب با درس و موضوع آن، روش تدریس مناسب انتخاب کرد؛ تا دانش‌آموزان با شور و علاقه به درس توجه کنند.

"معلم مطالعات ما، با داستان‌گویی و روش جالب تدریس می‌کنند، من اصلاً از درس تاریخ خوشم نمی‌آمد و از سلسله‌ها و پادشاه‌ها متنفر بودم. اما معلم درس را آن قدر خوب می‌دهد و با داستان و اجرای نمایش آن وقایع را تعریف می‌کند که من می‌توانم آن وقایع را تصور کنم و حتی گاهی اوقات خودم را جای شخصیت‌های تاریخی می‌گذارم و این باعث می‌شود تا مطالب خوب در ذهنم بماند و دیگر کلاس برایم خشک و خسته‌کننده نیست".

-استفاده از رسانه‌های مختلف آموزشی

استفاده از رسانه‌های آموزشی علاوه بر این که کار را برای معلم راحت می‌کند، در یادگیری دانش‌آموزان نیز تاثیرگذار است. هم‌چنین کلاس را از یکنواختی در می‌آورد. تنوع آن‌ها نیز باعث می‌شود که دانش‌آموزان، بتوانند با توجه و علاقه‌ی بیشتری درس را فرا گیرند. در این باره یکی از دانش‌آموزان این گونه بیان کرده است:

"معلم مطالعات، خیلی خوب تدریس می‌کنند با یک پاورپونت، چندین صفحه را به راحتی توضیح و خلاصه می‌کند و درس را کاملاً می‌فهمیم و امتحان را همان لحظه می‌گیرد و اکثر بچه‌ها نمره‌ی کامل می‌گیرند. هم‌چنین استفاده از میز شنی، نقشه‌های اینترنتی و به روز و سایت هواشناسی، باعث می‌شود، جذابیت درس برایمان بیشتر شود و با انگیزه بیشتری درس بخوانیم".

-استفاده از طنز، شعر و بازی...

دانش‌آموزان از کلاس‌ها خشک و بی‌روح گریزانند.

"معلم ریاضی، ایشان خیلی خوش اخلاق هستند و وقتی می بینند بچه ها سر کلاس خسته شدند، شوخی می کنند تا جو کلاس عوض شود و توجه ما به درس بیشتر شود. ما هم سر کلاس ایشان راحت هستیم و اگر نکته خنده داری بگوییم، ضایع مان نمی کنند."

-تحریک دانش آموزان

. معلم می تواند از طریق تحریک حس کنجکاوی، رقابت و یا استفاده از جملات تحریک کننده و تاثیرگذار، در دانش آموزان ایجاد انگیزه کند. برای این مقوله، ۴ اقدام برای تحریک دانش آموزان از مصاحبه های دانش آموزان استخراج شد که عبارت است از:

-برانگیختن حس رقابت سالم بین دانش آموزان

ایجاد فضای رقابتی در کلاس، دانش آموزان را به انجام فعالیت و همکاری تحریک می کند و این امر باعث می شود یادگیری با شور و علاقه صورت گیرد

"یکی از معلم های ما، در هنگام پرسش کلاسی، بچه ها را گروه بندی می کند سوال های مهم درس را روی تخته می نویسد و زمان می دهد و گروه ها باید به آن سوال ها پاسخ بدهند و نمره ی آن به صورت گروهی در نظر گرفته می شود. با این کار، حتی دانش آموزان ضعیف هم که علاقه ای به درس ندارند نیز تحریک شده و با ما هم کاری می کنند و ما اصلاً نمی فهمیم زمان چگونه می گذرد و درس نیز یک بار کامل دور می شود."

-بیان جملات تاثیرگذار و هشداردهنده

گاهی ممکن است شنیدن جمله ای، حکایتی، بیتی و یا نصیحتی، آن قدر روی یک نفر تاثیرگذار باشد که مسیر زندگی او را تغییر بدهد و انگیزه لازم برای طی مسیر طولانی وسخت را برایش فراهم سازد.

"مثلاً یک جمله ای که روی من تاثیر گذاشته این بوده که "درس بخوانید تا خودتان انتخاب کنید نه این که انتخاب بشوید" از آن روز به بعد من با انگیزه ی بسیار زیاد درس می خوانم تا بتوانم در رشته ای که علاقه دارم ادامه تحصیل بدهم و سرنوشت زندگیم را خودم به عهده بگیرم."

-تحریک حس کنجکاوی دانش آموزان

حل مسائل چالش برانگیز، استثنائات علمی و معما ها باعث تحریک حس کنجکاوی دانش آموزان می شود و دانش آموزان را تحریک می کند که با انگیزه سراغ کشف آن ها بروند.

"معلم علوم ما، ابتدای تدریس خود یک قانون علمی را که همه می‌دانند را می‌گویند و بعد یک آزمایش که خلاف آن را نشان می‌دهد را انجام می‌دهند و یا یکی از استثنائات را طوری بیان می‌کنند که همه‌ی ما متعجب می‌شویم و ما را کنجکاو می‌کنند و می‌خواهند در مورد آن نظرمان را بگویم. همه‌ی نظرات را می‌شنوند. به همه‌ی سوالات ما در این زمینه جواب نمی‌دهند و بچه‌ها را به شک می‌اندازند نمی‌گویند چه کسی درست می‌گوید و چه کسی اشتباه. خوب که ما را به جان هم انداختند و ما را کنجکاو کردند از ما می‌خواهند درباره‌ی آن تحقیق کنیم و جواب این معما را به دست آوریم".

-تداوم انگیزه

منظور از تداوم انگیزه، مرحله‌ای است که در آن اقداماتی صورت می‌گیرد که سبب می‌شود؛ انگیزه ایجاد شده در دانش‌آموزان زودگذر و موقتی نباشد و ادامه پیدا کند. در این مرحله نیز انگیزه بیشتر به صورت بیرونی می‌باشد. برای این مضمون ۴ مقوله مشخص شد که در زیر بیان شده است:

-استفاده از تشویق

برای این مقوله ۵ مفهوم شناسایی شد.

-تشویق کلامی در جمع

هیچ کس نمی‌تواند تاثیری که تشویق بر پیشرفت دانش‌آموزان می‌گذارد را انکار کند.

"من یک هفته تکالیف ریاضی را قبل از این که معلم بگوید به طور کامل انجام دادم. معلم، سرکلاس گفت: "شما باید به وجود همچین دوستی افتخار کنید". این تشویق کلامی او در جمع باعث شد که من احساس خیلی خوبی داشته باشم و سعی کنم به طور منظم تکالیفم را انجام دهم".

-تشویق در برابر والدین

تعریف و تشویق دانش‌آموز جلوی والدین او، خواه در حضور دانش‌آموز و خواه در غیاب او، در بالا بردن انگیزه او خیلی مؤثر است،

"یکی از معلم‌هایم در جلسه دیدار با اولیاء از من پیش مادرم تعریف کرد و گفتند نسبت به قبل خیلی بهتر شده‌است، من احساس خیلی خوبی پیدا کردم و تصمیم گرفتم بیشتر تلاش کنم و درس بخوانم تا دفعه بعد بیشتر از من تعریف کند".

-توجه به رفتار مثبت دانش‌آموزان و تشویق و گوشزد کردن آن

یکی از راه‌هایی که باعث تکرار رفتار خوب در دانش‌آموزان می‌شود، توجه و تشویق کردن آن رفتارها می‌باشد.

"معلم تفکر، بیشتر خوبی‌ها و نکات مثبت رفتاری بچه‌ها را می‌بیند و مرتباً آنها را گوشزد می‌کند. در موقعیت‌ها و زمان‌های مختلف توانمندیا و خوبی‌های بچه‌ها را بیان می‌کند، مثلاً وقتی که می‌خواهیم سوالات را جواب بدهیم و دستانمان را بالا می‌آوریم به جای این که اسم مان را بگویند، می‌گویند: "شما که نقاشیت خوبه، بگو". و یا "شما که قرآن حفظی، بگو".

-توجه کردن به علایق و آرزوهای دانش‌آموزان و استفاده از آن برای تشویق

دانستن علایق دانش‌آموزان و استفاده از آن برای تشویق باعث می‌شود که دانش‌آموزان، احساس کنند که معلمشان آن‌ها را درک می‌کند و به علایق و آرزوهایشان احترام می‌گذارد.

"همه می‌دانند که من دوست دارم دکتر شوم، یکی از معلم‌های من وقتی نمره زبانم را بد گرفتم زیر برگه ام نوشت که خانم دکترها بیشتر تلاش می‌کنند و این حرف ایشان به من روحیه داد و من سعی کردم که درس را بهتر بخوانم. هم‌چنین هر وقت نمره ی خوبی می‌گیرم معلم می‌گوید: "آفرین خانم دکتر".

-اهمیت دادن به نظرات دانش‌آموزان

اهمیت دادن به حرف و نظر دانش‌آموزان، در بالا بردن اعتماد به نفس آن‌ها مؤثر است.

"معلم تفکر ما، به نظرات تک تک دانش‌آموزان اهمیت می‌دهد مثلاً زمانی که رأی‌گیری می‌کند، پس از اجرای رأی اکثریت، نظرات سایر دانش‌آموزان را که رأی کمتری داشتند را نیز در زمان‌های دیگر اجرا می‌کند هرچند که یک نفر باشد"

-دادن مسئولیت به دانش‌آموزان

دانش‌آموزان دوست دارند در کلاس مسئولیتی به‌عهده داشته باشند، اگر بتوانند از پس این مسئولیت برآیند، در بالا رفتن اعتماد به نفس آنان خیلی مؤثر است و احساس می‌کنند، خودکارآمد و مفید هستند

"معلم علوم، همه مسئولیت کلاس را به من سپرده بود و هر کاری داشت به من می‌داد و من حس خوبی به این موضوع داشتم، من هم به خاطر این که ایشان را دوست داشتم به درس علوم هم علاقه‌مند شدم و تصمیم گرفتم علوم تجربی بخوانم".

-دل گرم و امیدوار کردن دانش آموزان

معمولاً دانش آموزان پس از شکست و یا به دست نیاوردن نتیجه مطلوب دچار ناامیدی و یأس می شوند و ممکن است اعتماد به نفس آنان کم شود. " معلم علوم، خیلی اخلاق خوبی دارند و بچه ها را خیلی دوست دارند. من یک بار نمره ام بد شد، گفت عیب نداره. تو می تونی جبران کنی. این کارشان باعث شد که من ناامید نشوم و ایشان را خیلی دوستش داشته باشم و انگیزه ی بیشتری برای درس خواندن پیدا کنم".

-شناسایی استعداد دانش آموزان و راهنمایی آنان

شناخت استعداد و توانمندی ها دانش آموزان، تشویق آنان و فراهم کردن زمینه ی لازم برای باروری آن استعداد و توانایی، باعث می شود دانش آموز خود و توانمندی خود را باور کند .

" معلم فارسی، من را جلوی همه ی بچه ها تشویق کرد و گفت نسبت به قبل خیلی پیشرفت کردی و توی درس فارسی استعداد داری و به خوبی آن را درک می کنی و شفاهی ات خیلی خوب است و می تونی المپیاد شرکت کنی . من هم خیلی امیدوار شدم و درس فارسی را بیشتر از قبل دوست داشتم و انگیزه بیشتری پیدا کردم".

-بالا بردن آگاهی دانش آموزان

یکی دیگر از اقداماتی که در ایجاد و تداوم انگیزه دانش آموزان می تواند مؤثر باشد، اقداماتی است که آگاهی دهنده می- باشد. اگر دانش آموز بداند که چه می کند و دلیل انجام فعالیت هایش چیست، با میل و رغبت بیشتر آن ها را انجام می دهد و فعالیت هایش را با هوشمندی بیشتر و میزان خطای کمتر انجام می دهد

-صحبت کردن درباره آینده با دانش آموزان

وقتی برای دانش آموزان از آینده صحبت می کنیم، آن ها می توانند با دید بازتر و وسیع تری به اطراف خود نگاه کنند، اهداف دراز مدت خود را تعیین کنند و طبق آن به تلاش بپردازند.

" مثلاً یکی از معلم ها با من صحبت کردند که زبان خیلی مهم است و در آینده بسیار تأثیرگذار است من هم چند ترم زبان رفتم با وجودی که تکالیفمان بسیار زیاد بود و ما وقت کمی داشتیم اما چون به این نتیجه رسیده بودم که باید زبانم بهتر شود سختی آن را تحمل کردم. الان زبانم خیلی خوب شده است و امیدوارم در رشته ای که می خواهم در آینده در دانشگاه بخوانم، موفق شوم".

-صحبت کردن درباره مهارت های مفید زندگی صحبت کردن

متأسفانه در بین دانش‌آموزان، برخی از دروس، با وجود اهمیت زیاد آن‌ها و کاربرد آن در زندگی ارزش کمتری دارند و برای آن‌ها وقت کمتری صرف می‌کنند و بیشتر سعی می‌کنند دروسی چون ریاضی و علوم و... را بخوانند.

"یکی از معلمین ما، در مورد مهارت‌های زندگی صحبت کردند که برای ما مفید است، ایشان ما را قانع کردند که علاوه بر درس یک سری مهارت را هم باید فرا بگیریم. از آن روز به بعد درس هنر و آمادگی دفاعی، تفکر و سبک زندگی و کار و فناوری که قبلاً برایم بی‌اهمیت بودند را جدی گرفتم، حتی در تابستان نیز سعی کردم بعضی از مهارت‌ها را ادامه دهم."

-مثال زدن از تجربیات شخصی معلم

معلم، همواره برای دانش‌آموز به مثابه‌ی الگو می‌باشد. حرف و عمل او برای او بسیار مهم و تأثیرگذار است. "یکی از معلمین ما، موقعی که دیدند ما درس نمی‌خوانیم و خیلی بی‌انگیزه و بی‌تفاوت هستیم، گفتند من هم مثل شما یک روز پشت این صندلی‌ها نشسته بودم و هم‌زمان سه زبان را می‌خوانم و تصمیم گرفتم که آن‌قدر خوب درس بخوانم که در همین مکان تدریس کنم. آن‌قدر تلاش کردم که موفق شدم. این برای من جالب بود و من هم می‌خواهم در آینده زبان بخوانم."

-دعوت از افراد متخصص و مطلع برای آشنایی به رشته‌ی خاص

دعوت از افراد متخصص مخصوصاً کسانی که در رشته و کار خود موفق هستند، باعث می‌شود دانش‌آموزان با رشته-های مختلف آشنا شوند و به آن‌ها علاقه‌مند شده و انگیزه‌ی لازم برای رسیدن به آن را پیدا کنند

"معلم علوم ما از یکی از اولیا که در رشته داروسازی تحصیل کرده بود، دعوت کردند که به کلاس ما بیایند و برای ما از رشته خود و بازار کار آن توضیح دهند؛ صحبت‌های ایشان باعث شد من این رشته را بیشتر بشناسم و به این رشته علاقه‌مند شوم و با جدیت بیشتر به درس‌هایم بپردازم چون که قبول شدن در رشته‌ی داروسازی آسان نیست."

-بازید از مراکز علمی و جشنواره‌ها

بازید از مراکز علمی و جشنواره‌ها، دانش‌آموزان را از نزدیک با رشته‌های مختلف و کاربرد آن‌ها آشنا می‌کند و آن‌ها می‌توانند با پی بردن به علاقه‌ی خود، رشته‌ی تحصیلی خود را انتخاب کرده و برای رسیدن به آن با انگیزه بیشتر به تلاش بپردازند.

" سال قبل از طرف مدرسه ما را به دانشگاه فردوسی بردند و در جشنواره علوم شرکت کردیم، در آن جا آزمایشات جالبی انجام دادند که برایم خیلی جالب بود و احساس کردم به درس علوم خیلی علاقه مندم. از آن به بعد علوم را با لذت بیشتری می خوانم و سعی می کنم تا آزمایشات کتاب را انجام دهم و کتاب های غیردرسی مرتبط با موضوع درس را نیز مطالعه می کنم".

- فراهم کردن زمینه مشارکت فعال دانش آموزان در فعالیت های آموزشی

با مشارکت دادن دانش آموزان در تمامی مراحل آموزش، دانش آموز خود را منفعل احساس نمی کند و با شور و انگیزه طالب یادگیری می شود.

" معلم فارسی ما، در تدریس خودشان بچه ها را مشارکت می دهند و خودشان تنها صحبت نمی کنند، مثلاً یک بیت شعر می نویسند و بچه ها در مورد آن صحبت می کنند و اگر دانش آموزی وسط کلاس تکه بیندازد، دعوا نمی کنند و بچه ها درگیر درس و موضوع می شوند و راحت نظرات خود را در مورد موضوع بیان می کنند".

- کشاندن درس به خارج از کلاس

یادگیری صرفاً در کلاس درس صورت نمی گیرد. اگر تدریس به گونه ای باشد که دانش آموز آن قدر غرق درس شود که پس از پایان کلاس و خارج از مدرسه نیز به موضوع تدریس بیانديشد و در پی یادگیری بیشتر باشد، یادگیری کامل صورت می پذیرد.

"معلم علوم، مفاهیم علوم را با مثال هایی که ما در زندگی سرو کار داریم، توضیح می دهند و از ما می خواهند برای جلسه بعد ما هم مثال هایی از اطرافمان برای آن موضوع پیدا کنیم و در کلاس مطرح کنیم. این باعث می شود که ما درگیر آن درس شویم و خارج از کلاس هم به آن فکر کنیم. اگر مطلبی را فهمیدیم با شور و علاقه در کلاس مطرح می کنیم و معلم و بقیه دانش آموزان درباره آن نظر می دهند. آن قدر خوب توضیح می دهند که اگر همان جا امتحان بگیرند اکثر بچه ها نمره خوبی می گیرند".

- ماندگاری انگیزه

سومین مضمون اقدامات انگیزشی معلمان، ماندگاری انگیزه می باشد. منظور از ماندگاری انگیزه، مرحله ای است. برای این مضمون، ۲ مقوله مشخص شده است که در زیر بیان می شود:

چشاندن احساس لذت و رضایت

وقتی دانش‌آموزان حس لذت و رضایت را درک کنند دیگر نیازی نیست که آنان را برای یادگیری برانگیزانیم. آن‌ها خود به سبب لذت و رضایتی که دارند، تلاش می‌کنند و انگیزه‌ی آن‌ها درونی می‌شود.

-تقدیر از دانش‌آموزان به سبب بروز توانمندی‌هایشان

وقتی دانش‌آموزان به سبب کسب موفقیت تقدیر می‌شوند، حس افتخار و رضایت ناشی از تقدیر و شناخته شدن، باعث می‌شود که برای ادامه راه خود امیدوار شده و انگیزه‌ی لازم برای ادامه راه را پیدا کنند. در این باره یکی از دانش‌آموزان چنین گفته است:

"من در المپیاد علوم رتبه اول را کسب کردم. اسم من را روی بنر چاپ کردند و جلوی مدرسه نصب کردند. وقتی برای اولین بار اسمم را روی بنر دیدم، حس خیلی خوبی داشتم. با وجودی که می‌دانستم که در درس علوم خوب هستم ولی موفقیت در المپیاد و دیدن اسمم به عنوان افتخارآفرین، من را مصمم کرد تا در رشته شیمی ادامه تحصیل بدهم. با وجودی که خانواده‌ام اصرار داشتند که من ریاضی را ادامه بدهم."

-آموزش مهارت مفید

کسب یک مهارت مفید، خود به خود ایجاد لذت و رضایت در دانش‌آموزان می‌کند. وقتی دانش‌آموز می‌بیند از دانش و مهارت خود می‌تواند استفاده کند و برایش مفید و سودمند است، انگیزه‌ی لازم برای ادامه راه را به دست می‌آورد.

"من اصلاً هنر را دوست نداشتم، معلم هنر ما خودشان هنرمند هستند و با شور و اشتیاق در مورد کارهای هنری صحبت می‌کنند، من هم به هنر علاقه‌مند شدم در زنگ ایشان من خودم را هنرمندی خارق‌العاده احساس می‌کنم. مثلاً من اصلاً گلیم بافی را دوست اما الان واقعاً به گلیم بافی علاقه‌مند شدم.. با وجودی که فقط یک کار برای کلاس کافی بود من کارهای بسیار زیبایی بافتم که در نمایشگاه مدرسه با قیمت خوبی به فروش رفت."

-چشاندن احساس کفایت و شایستگی

وقتی دانش‌آموزان در خود احساس کفایت و شایستگی کنند، اعتماد به نفسشان بالا می‌رود و انگیزه‌ی آنان درونی می‌شود و استقامت و خلاقیت در آن افزایش می‌یابد و به خودشکوفایی می‌رسند. در زیر به اقداماتی که باعث چشاندن این احساس در دانش‌آموزان می‌شود، می‌پردازیم:

-بها دادن به خلاقیت و نوآوری دانش‌آموزان

وقتی دانش‌آموز به سبب ارائه راه حل جدید مورد تشویق قرار می‌گیرد، اعتماد به نفسش افزایش می‌یابد و به خودباوری می‌رسد و با انگیزه بیشتر به پردازش مطالب می‌پردازد

"یک بار من برای یک مسئله ریاضی راه حل جدیدی پیدا کردم. معلم ریاضی ما متوجه شد من آن مسئله را سریع‌تر حل می‌کنم. از من راه حل را پرسید و از من خواست آن را پای تخته برای بچه‌ها توضیح دهم. از آن زمان به بعد من به درس ریاضی علاقه‌ی عجیبی پیدا کردم و مسایل را برای خودم باز می‌کنم و سعی می‌کنم راه-حل‌های بهتر برای حل آن‌ها پیدا کنم."

پاسخ به سؤال دوم پژوهش

تجربه زیسته دانش‌آموزان در خصوص اقدامات معلمانشان که باعث کاهش و از بین رفتن انگیزه در آنان شده است، چیست؟

در مورد سوال دوم پژوهش، ۳ مضمون اصلی به دست آمد که در زیر به شرح آن می‌پردازیم:

جدول ۴-۲: جدول مضمون، مقوله و مفاهیم اقدامات کاهنده انگیزش معلمان

مضمون	مقوله	مفاهیم
مضمون	مقوله	۱- برخورد شدید در برابر خطای دانش‌آموزان
		۲- ایراد دانش‌آموزان را با صدای بلند گفتن
		۳- مسخره کردن دانش‌آموزان
		۴- تهمت زدن به دانش‌آموزان
		۵- استفاده از کلمات بی‌ادبانه و توهین‌آمیز
		۶- تحقیر کردن دانش‌آموزان
اقداماتی که باعث احساس عدم ارتباط	مقوله	۱- اهمیت ندادن به دانش‌آموزان
		۲- بی‌توجهی و برخورد نامناسب در برابر احساسات دانش‌آموزان
		۳- عدم توجه و اهمیت به راه‌حل‌های جدید دانش‌آموزان
		۴- اهمیت ندادن به انتخاب دانش‌آموزان و مجبور کردن به انجام کار
احساس عدم ارتباط	مقوله	۱- پوشش نامناسب
		۲- داشتن اشکالات فیزیکی

مناسب می شود	۳- ظاهر نامطلوب
	کنترل و اجبار معلمان ۱-جریمه دادن غیر عادلانه ۲.رفتارهای پرخاشگرانه ۳. عدم نظر خواهی از دانش آموزان در امور کلاسی و فعالیت های درسی
	فخر فروشی ۱- پز دادن و تعریف از خود ۲- خود را برتر و مؤمن دانستند
	دادن تکلیف بیش از توان دانش آموزان ۱- بدون در نظر گرفتن حجم زیاد و زمان کافی ۲- بدون در نظر گرفتن هزینه ی زیاد تکلیف ۳- دادن تکلیف خیلی دشوار
اقداماتی که باعث احساس عدم کفایت می شود	عدم علاقه معلمان به مدیریت و کلاسداری ۱-عدم توانایی معلمان در ایجاد تنوع در محیط آموزشی ۲-ایجاد فضای یکنواخت و کسل شدن کلاس ۳-ضعف معلمان در مدیریت زمان ، مواد و منابع آموزشی ۴-ضعف در نظارت بر یادگیری دانش آموزان ۵-ضعف معلمان در کنترل هیجانات منفی و مثبت دانش آموزان
	ایجاد ترس و استرس در دانش آموزان ۱- سخت گیری بیش از اندازه و بی دلیل ۲- استرس وارد کردن به دانش آموزان در هنگام ارزشیابی
	عدم تدریس مطلوب ۱- روش تدریس نامناسب ۲- نداشتن فن بیان خوب ۳- جدی نگرفتن درس و شل گرفتن درس توسط معلم
اقداماتی که باعث احساس عدم اعتماد می شود	عدم رعایت عدالت در کلاس ۱- تبعیض قائل شدن بین دانش آموزان ۲- عدم عدالت در ارزیابی ها ۳- قضاوت ناصحیح ۴- عدم توجه به تفاوت های فردی و توانمندی فردی دانش آموزان
	عدم رازداری معلم ۱- اطلاع به دفتر

اقداماتی که باعث عدم ارتباط مناسب می شود

در زیر ۴ اقدامی که از مصاحبه های دانش آموزان استخراج شده و باعث عدم برقراری ارتباط مناسب بین دانش آموزان و معلم می شود، آورده شده است:

برخورد شدید و نامناسب در برابر خطای دانش آموزان

هیچ کس عاری از خطا و اشتباه نیست. نقش تربیتی معلم در هنگام مشاهده ی خطای دانش آموزان، بسیار مهم است. در زیر به برخی از برخوردهای نامناسب که سبب کاهش انگیزه در دانش آموزان شده است، اشاره می کنیم:

-سرزنش کردن و یادآوری مکرر خطای دانش آموزان

یکی از برخوردهای نامناسب در برابر خطای دانش آموزان، سرزنش کردن و یادآوری مکرر آن می باشد. "معلم به خاطر خطایی که من یک بار انجام دادم. من را مرتب سرزنش می کرد و در سر کلاس دائم آبروی من را می برد. برای همین نسبت به ایشان و درسشان بی تفاوت شده بودم و نمی خواستم اصلاً فارسی بخوانم. هر وقت کتاب فارسی را باز می کردم، یاد سرزنش های او می افتادم و کتاب را می بستم".

"معلم ما اگر اشتباهی کرده باشیم دائم آن را تکرار می کنند. مثلاً یک بار که بچه ها درباره کلاس به دفتر اطلاع داده بودند، دائم این را می گفتند و تو سر ما می زدند".

ایراد دانش آموزان را با صدای بلند گفتن

از برخوردهای اشتباه دیگری که در برابر خطاهای دانش آموزان صورت می گیرد، فاش کردن آن با صدای بلند می باشد. "اگر کار دانش آموزی کمی بد بود با صدای بلند ایراد کار او را می گفت بدون این که شرایط او را در نظر بگیرد. نمره ها را بلند وسط کلاس می خواند و من نمی خواستم نمره ی من را کسی بداند. من از این کار خیلی ناراحت می شدم و آن معلم را دوست نداشتم".

مسخره کردن دانش آموزان

مسخره کردن دانش آموزان، یکی از برخوردهای ناشایست و نامناسب در برابر خطای آنان می باشد. "یکی از معلم ها به یکی از بچه ها که لباسش را نشسته بود، تذکر داد و به او گفت مگر ماشین لباس شویی نداری که لباست کثیف است و او را جلوی بچه های کلاس ضایع کرد. به نظر من این کار در شأن یک معلم نبود و نظرم خیلی نسبت به ایشان عوض شد و یک بار یکی از

بچه‌ها به جای این که بگویند، اشتباه کردم گفت ازدواج کردم، چندین بار او را مسخره کردند و وقتی او می‌خواست جواب دهد، "می‌گفت تو که قصد ازدواج داری، جواب نده". ایشان با مسخره کردن بچه‌ها، سعی در عوض کردن جو کلاس دارند."

استفاده از کلمات بی‌ادبانه و توهین‌آمیز

استفاده از کلمات توهین‌آمیز، برای معلم بسیار زشت و ناپسند می‌باشد. "مثلاً یک بار برای گرفتن رضایت نامه به دفتر رفتم، خیلی با من بد برخورد کردند و گفتند که شما یا کر هستید و یا کور هستید و یا بی‌شعورید که نمی‌فهمید که چه موقع باید بیایید، ما باید چند بار یک حرف را تکرار کنیم. من شوکه شدم و اصلاً انتظار چنین برخوردی را نداشتم. یک دفعه نظرم نسبت به آن معلم عوض شد و دیگر به دیده‌ی احترام به او نگاه نمی‌کردم و درسش را نمی‌خواندم و سر کلاسش به او نگاه نمی‌کردم."

بی‌توجهی و برخورد نامناسب در برابر احساسات دانش‌آموزان

برخورد مناسب در برابر ابراز احساسات دانش‌آموزان و بروز تعلق خاطر داشتن به آنان، در ایجاد رابطه خوب بین معلم و دانش‌آموزان کمک می‌کند

"یکی از بچه‌ها به ایشان گفتند که من شما را خیلی دوست دارم، ایشان گفتند که من به دوست داشتن شما احتیاجی ندارم. این برخورد ایشان روی من تأثیر بدی گذاشت و من فکر کردم ایشان خیلی مغرور هستند."

عدم توجه و اهمیت به راه‌حل‌های جدید دانش‌آموزان

عدم توجه به خلاقیت و راهکارهای جدید دانش‌آموزان، انگیزه آنان را به تلاش بیشتر و یافتن راه‌های جدید کاهش می‌دهد

"اگر راه‌حل جدیدی بدهیم، می‌گویند من قبلاً این راه را گفتم و یا به اسم خودش تمام می‌کند و ذوق و اشتیاق را در من کور می‌کند. در صورتی که معلم سال قبل من را خیلی تشویق می‌کرد. دیگر تصمیم گرفتم سر کلاس ایشان فعالیت نکنم."

اهمیت ندادن به انتخاب دانش‌آموزان و مجبور کردن به انجام کار

معلم مستبد و خودرأی، نمی‌تواند عملکرد موفقی داشته باشد، او نمی‌تواند ارتباط خوبی با دانش‌آموز برقرار کند و حس لجبازی را در آنان بیدار می‌کند و انگیزه‌ی آنان را برای انجام فعالیت‌ها کاهش می‌دهد.

"یک بار معلم‌مان، ما را مجبور کرد کاری را انجام دهیم و من هم لجبازی کردم و آن کار را انجام ندادم. ایشان گفتند اگر این کار را نکنی نمره ورزشت را کم می‌دهم. اما برای من مهم نبود."

پوشش نامناسب

طرز لباس پوشیدن معلم، انتخاب مدل و رنگ لباس و هماهنگی بین لباس‌ها خیلی مهم است.

"ظاهر معلم، مثلاً طرز لباس پوشیدن، نحوه آرایش کردن معلم نیز خیلی مؤثر است. به طور نمونه، چون پوشش معلم شیمی ما مناسب نیست، همیشه مورد تمسخر دانش آموزان می باشد و ارزشش را در بین آنان از دست داده است و دانش آموزان به او اهمیت نمی دهند و درسش را نمی خوانند و جدی نمی گیرند".

داشتن اشکالات فیزیکی

داشتن اشکالات فیزیکی و یا نقص عضو اگر در ناحیه ای باشد که در تدریس اثرگذار باشد، باعث اختلال در تدریس و عدم برقراری ارتباط مناسب می شود. یکی از دانش آموزان در مصاحبه ی خود در این باره، چنین اظهار کرده است:

"یکی از معلم های ما با وجودی که اطلاعات زیادی داشتند، اما خوب نمی توانستند توضیح بدهند، ایشان در قسمت فک خود هم کمی مشکل داشتند و جوری درس می دادند که برای ما سنگین و نامفهوم بود. والدین ما خیلی اعتراض کردند ولی گفتند تا پایان سال باید تحمل کنید. آن سال، ما در آن درس خیلی عقب افتادیم و خوب درس یاد نگرفتیم".

ظاهر نامطلوب

علاوه بر پوشش مناسب، ظاهر آراسته و مطلوب نیز در برقراری ارتباط مناسب و ایجاد انگیزه مؤثر است.

"اگر معلم نامرتب باشد من تمرکز را از دست می دهم و روی اعصابم است و همش مثلاً فکر می کنم که چرا مقنعه اش کج است و درست نمی کند".

پزدادن و تعریف از خود

تعریف از خود و به اصطلاح پز دادن، باعث ایجاد حس بدی در دانش آموزان می شود و آنان را از معلم خود دور می کند و مانع برقراری ارتباط مناسب بین آنان می شود.

"برخی از معلم ها پز می دهند و از بالا به ما نگاه می کنند و از خودشان تعریف می کنند؛ مثلاً می گویند من کلی مانتو دارم، من از فلان خانواده هستم؛ باعث می شود که من از ایشان بدم می آید و حس خوبی نسبت به ایشان و درسشان نداشته باشم و انگیزه ام برای خواندن را از دست بدهم".

خود را برتر و مؤمن دانستن

خود را مؤمن دانستن و تفاخر به ایمان، نیز از برقراری ارتباط مناسب بین دانش آموزان و معلم جلوگیری می کند

"یکی از معلم‌های ما، چون خودشان خیلی مذهبی هستند، خودشان را خیلی بهتر و مؤمن‌تر از ما می‌دادند و اگر کسی اشتباهی بکند، او را بی‌دین می‌داند و به دیده‌ی بد به او نگاه می‌کند؛ مثلاً یک بار که بچه‌ها خطایی انجام دادند گفتند شما لیاقت شنیدن حرف‌های من را ندارید و لیاقت درس خواندن در مدرسه امام رضا (ع) را ندارید".

اقداماتی که باعث احساس عدم کفایت می‌شود

وقتی دانش‌آموزان احساس کفایت و خودکارآمدی نداشته باشند، نسبت به توانمندی‌های خود شک دارند در زیر، اقداماتی که این احساس را دانش‌آموزان ایجاد می‌کند و از مصاحبه‌های دانش‌آموزان استخراج شده، آورده شده است:

دادن تکلیف بیش از توان دانش‌آموزان

دادن تکلیف بیش از توان دانش‌آموزان باعث می‌شود، آنان نتوانند به خوبی از عهده‌ی تکلیف محول شده برآیند و در نتیجه احساس دل‌زدگی و خستگی می‌کنند و اعتماد به نفسشان کاهش می‌یابد

بدون در نظر گرفتن حجم زیاد و زمان کافی برای انجام تکلیف

حجم زیاد تکالیف بدون در نظر گرفتن توان و زمان کافی برای انجام آن، باعث خستگی بیش از حد در دانش‌آموزان می‌شود::

"معلم کار و فناوری، کارهای عملی زیاد در زمان‌های کم از دانش‌آموزان می‌خواست بدون در نظر گرفتن توان و زمان بچه‌ها و درس‌های دیگری که داشتند. برای همین ما همیشه استرس داشتیم که شاید نرسیم تکالیفمان را انجام دهیم. آخر سال نیز انگیزه و علاقه خود را برای انجام کار از دست داده بودیم و فقط می‌خواستیم رفع تکلیف کنیم".

بدون در نظر گرفتن هزینه‌ی زیاد تکلیف

یکی دیگر از عواملی که باعث کاهش انگیزه در دانش‌آموزان می‌شود، دادن تکالیف با هزینه‌ی بالاست که آن‌ها نتوانند به راحتی از عهده‌ی تهیه آن برآیند::

"کارهای عملی بعضی از معلمین هزینه زیادی دارد و آن‌ها بدون در نظر گرفتن مشکلاتی که این کارها برای دانش‌آموزان ایجاد می‌کنند، در یک ترم چندین کار پرهزینه می‌دهند".

ایجاد ترس و استرس در دانش‌آموزان

بدیهی است که یادگیری در محیطی امن و فاقد اضطراب و استرس صورت می‌گیرد. معلم خوب سعی در از بین بردن استرس و اضطراب دانش‌آموزان دارد.

استرس وارد کردن به دانش‌آموزان در هنگام ارزشیابی

مورد ارزیابی قرار گرفتن، استرس زاست. اما اگر استرس و اضطراب بیش از اندازه باشد، می‌تواند مشکل ایجاد کند. "سر امتحان علوم استرس دارم، می‌لرزم و گریه می‌کنم و او هم می‌گوید گریه کن! گریه کن! و من استرسم بیشتر می‌شود. اگر هم یکی از بچه‌ها برای یکی از سؤالات اعتراض کند، می‌گوید برو پیش معاون مدرسه تا نمره منفی به تو بدهد."

عدم تدریس مطلوب

وقتی تدریس به خوبی صورت نمی‌گیرد و اهداف آموزشی به طور کامل انتقال پیدا نمی‌کند؛ دانش‌آموزان نیز نتیجه مطلوبی به دست نمی‌آورند..

روش تدریس نامناسب

روش تدریس‌های یکنواخت و ملال‌آور، عاملی در خستگی و دلزدگی دانش‌آموزان از کلاس درس و عدم توجه آنان به تدریس و روی آوردن به فعالیت‌های غیر مفید است.:

"معلم مطالعات ما فقط کنفرانس می‌گیرد انگار روش تدریس دیگری جز کنفرانس وجود ندارد. از اول سال هیچی از مطالعات نفهمیدم. هر چی یاد گرفتم خودم خواندم. دیگر مطالعات را دوست ندارم و نمی‌خواهم آن را بخوانم."

نداشتن فن بیان خوب

فن بیان خوب، در تدریس اثربخش مؤثر است.

"یکی از معلم‌های ما با وجودی که اطلاعات زیادی داشتند، اما خوب نمی‌توانستند توضیح بدهند و جوری درس می‌دادند که برای ما سنگین بود و ما نمی‌فهمیدیم و مجبور بودیم خودمان از کتاب‌های کمک درسی استفاده کنیم."

جدی نگرفتن درس و شل گرفتن درس توسط معلم

وقتی معلم اهمیت کافی به درسی که تدریس می‌کند، نمی‌دهد و کارهایش را با برنامه ریزی و دقیق انجام نمی‌دهد، دانش‌آموزان نیز آن درس را جدی نمی‌گیرند و انگیزه‌ی خود را برای تلاش و یادگیری از دست می‌دهند.

"اگر معلمی درس را جدی نگیرند و سخت گیری نکنند و شل بگیرند ما هم فکر می‌کنیم آن درس مهم نیست و آن درس برایم در اولویت نیست و وقتم را برای درس‌های دیگر می‌گذارم و انگیزه ام را برای حل تمرینات از دست می‌دهم."

اقداماتی که باعث احساس عدم اعتماد می‌شود

عدم اعتماد دانش‌آموز، از عواملی است که در کاهش انگیزه او نسبت به درس و یادگیری بسیار مؤثر است. در زیر به اقداماتی که باعث احساس عدم اعتماد بین معلم و دانش‌آموز می‌شود و از مصاحبه‌ی دانش‌آموزان استخراج شده است، می‌پردازیم:

عدم رعایت عدالت در کلاس

از نگاه دانش‌آموز، معلم الگویی عاری از خطاست. اگر دانش‌آموز در کلاس تبعیض، نابرابری و ناحقی را مشاهده کند؛ حس بی‌اعتمادی در او به وجود می‌آید و محبوبیت و اعتبار معلم در بین دانش‌آموزان از بین می‌رود

تبعیض قائل شدن بین دانش‌آموزان

معلم در کلاس، زیر ذره‌بین دانش‌آموزان قرار دارد و آن‌ها کوچک‌ترین تفاوت در رفتار، گفتار و حتی نگاه را متوجه می‌شوند. در زیر به مصداق‌هایی از تبعیض بین دانش‌آموزان که از مصاحبه‌های دانش‌آموزان استخراج شده است، اشاره می‌شود:

به همه دانش‌آموزان فرصت مساوی ندادن

یکی از اقداماتی که باعث می‌شود، دانش‌آموزان احساس کنند که معلم بینشان تبعیض قائل می‌شود، ندادن فرصت مساوی به آن‌هاست. در این باره یکی از دانش‌آموزان می‌گوید:

"وقتی معلم سوالی می‌پرسد و من دستم را بلند می‌کنم، اجازه نمی‌دهد صحبت کنم و بقیه بچه‌ها جواب می‌دهند اما بعداً می‌گویند چرا در کلاس مشارکت نمی‌کنی."

عدم عدالت در ارزیابی‌ها

بی‌توجهی به پیشرفت دانش‌آموزان در ارزیابی، نادیده گرفتن تفاوت‌های فردی آنان و کم دادن نمره، از مصداق عدم رعایت عدالت در ارزشیابی‌ها می‌باشد.

نادیده گرفتن زحمات و پیشرفت دانش‌آموزان در ارزیابی‌ها

از جمله اقداماتی که باعث کاهش انگیزه‌ی دانش‌آموزان می‌شود، توجه نکردن به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان است.

"زمانی هم که دانش‌آموزان با زحمت زیاد کار را آماده می‌کردند، معلم ما نسبت به زحمت آن‌ها نمره نمی‌داد و کار بچه‌ها را باهم مقایسه می‌کرد و نمره می‌داد. ما هم با گوش‌های آویزان سر جایمان برمی‌گشتیم و با خودمان می‌گفتیم کاش آن‌قدر زحمت نمی‌کشیدم".

قضاوت ناصحیح

که حس بدی که از قضاوت نادرست به دانش‌آموز دست می‌دهد، باعث بی‌اعتمادی و حتی تنفر از درس و مدرسه می‌شود.

"معلم علوم، چون یک بار من با یکی از بچه‌ها به مشکل برخوردیم، معلم ما با من خیلی بد صحبت کردند و به من توهین کردند و اصلاً بین ما قضاوت صحیح نکردند و به ناحق طرفداری دوستم را کردند، من از همان روز از علوم خوشم نمی‌آید. هر وقت که از این ماجرا یادم می‌آید، عصبانی می‌شوم و نمی‌توانم معلم را ببخشم".

عدم رازداری معلم

در زیر نمونه‌هایی از عدم رازداری معلم آورده شده است:

اطلاع به دفتر

از جمله اقداماتی که حس بی‌اعتمادی را در دانش‌آموزان برمی‌انگیزد، انتقال مطالب و اتفاقات کلاس به دفتر می‌باشد.

"برخی از معلمین خبرها و اتفاقات کلاس را به دفتر انتقال می‌دهند و در ما احساس بی‌اعتمادی ایجاد می‌کنند. نظر من نسبت به معلمی که حرف‌های ما را زود به دفتر اطلاع می‌دهد، عوض می‌شود و دیگر او را دوست ندارم و احترامی برایش قائل نمی‌شوم".

اطلاع به والدین

فاش کردن اتفاقات کلاس و انتقال آن به والدین، یکی دیگر از نمونه‌های عدم رازداری معلم می‌باشد،

"یکی از معلم‌های ما، هر وقت اتفاقی در کلاس بیفتد و خطایی انجام داده باشیم، سریع به والدین ما خبر می‌دهد و یا زیر برگه‌ها به آنان اطلاع می‌دهد. انگار منتظر است که ما را جلوی پدر و مادرمان خراب کند. بعضی از بچه‌ها از او می‌ترسند ولی من به خودش و درسش اهمیت نمی‌دهم"

اقدامات انگیزشی و
ضد انگیزشی
معلمان در فرایند
یاددهی - یادگیری

❖ ایجاد انگیزه:

- ۱. جلب توجه دانش آموزان: طرح سوال، روش های متنوع و جذاب تدریس، رسانه- های مختلف آموزشی
- ۲. تحریک دانش آموزان: برانگیختن حس رقابت در بین دانش آموزان، جملات تأثیرگذار و هشداردهنده، تحریک کنجکاوی

❖ تداوم انگیزه:

- ۱. استفاده از تشویق: توجه به رفتار مثبت، تشویق در جمع
- ۲. بالا بالا بردن آگاهی دانش آموزان: صحبت درباره آینده، مهارت های مفید در زندگی، تجارب معلم .
- ۳. درگیر کردن دانش آموزان: مشارکت دانش آموزان، فعالیت های خارج مدرسه

❖ ماندگاری انگیزه:

- ۱. چشاندن احساس لذت و رضایت: آموزش مهارت جدید، تقدیر از توانمندی
- ۲. چشاندن احساس کفایت و شایستگی: خلاقیت و نوآوری دانش آموزان و توجه به توانمندی آنان

• اقداماتی که باعث عدم ارتباط مناسب می شود

- ۱. برخورد شدید در برابر خطای دانش آموزان
- ۲. اهمیت ندادن به دانش آموزان
- ۳. عدم آراستگی معلمان
- ۴. فخر فروشی معلمان

• اقداماتی که باعث احساس عدم کفایت می شود

- ۱. ایجاد ترس و استرس در دانش آموزان
- ۲. عدم تدریس مطلوب

• اقداماتی که باعث احساس عدم اعتماد می شود

- ۱. عدم رعایت عدالت در کلاس
- ۲. عدم رازداری معلم

اقدامات افزایش
انگیزش معلمان

اقدامات کاهش
انگیزش معلمان

-بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تجارب زیسته‌ی دانش‌آموزان در خصوص اقدامات انگیزشی معلمان در فرآیند یاددهی - یادگیری با استفاده از پدیدارشناسی توصیفی با رویکرد کیفی، مدرسه دخترانه‌ی امام رضا (ع)، دوره اول متوسطه واقع در منطقه تبادکان مشهد انجام شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که اقدامات انگیزشی معلمان، شامل ۳ مرحله‌ی ایجاد انگیزه، تداوم انگیزه و ماندگاری انگیزه می‌باشد؛ و اقدامات ضدانگیزشی آنان شامل ۳ محور است که عبارتند از: اقداماتی که سبب عدم برقراری ارتباط مناسب می‌شود، اقداماتی که سبب احساس عدم کفایت و شایستگی در دانش‌آموزان می‌شود و اقداماتی که سبب احساس عدم اعتماد در دانش‌آموزان می‌شود.

از آن‌جا که یکی از وظایف مهم معلمان، شناسایی استعدادها و بالقوه دانش‌آموزان و فراهم نمودن زمینه‌های رشد و شکوفایی آنان است، این مسأله معلمان را ناگزیر می‌سازد تا شرایط و محیط یادگیری را به گونه‌ای شکل دهند تا یادگیری با میل و رغبت صورت گیرد. بدین منظور بایستی برای ایجاد انگیزش در دانش‌آموزان گام بردارند. روان‌شناسان و دانشمندان مدت‌هاست که به اهمیت انگیزش در حمایت از یادگیری دانش‌آموزان پی برده‌اند. انگیزش بارها به عنوان عنصر کلیدی برای موفقیت دانش‌آموزان در یادگیری و کار افراد گزارش شده است و اغلب به عنوان محرک درونی برای رفتار یا عمل به شیوه‌ای خاص در نظر گرفته می‌شود (جووانوویک و ماتجویک ۲۰۱۴). از آن‌جا که انگیزه مستقیماً با میزان یادگیری و پیشرفت تحصیلی یادگیرندگان رابطه دارد، لازم است برای ایجاد یک نظام آموزشی موفق و پویا به این امر مهم توجه بیشتری شود. متأسفانه یکی از مشکلات شایع نظام آموزشی در بسیاری از کشورها، پایین بودن سطح انگیزه تحصیلی در بین یادگیرندگان می‌باشد که سالانه زیان‌های علمی، فرهنگی و اقتصادی زیادی را متوجه دولت‌ها و خانواده‌ها می‌کند و نظام آموزشی کشورها را با افت تحصیلی مواجه می‌سازد. بنابراین جهت کم کردن خسارت ناشی از کاهش انگیزه تحصیلی باید تحقیقات گسترده‌ای در این زمینه صورت بگیرد. از طرف دیگر، موضوع مهم دیگری که آموزش و پرورش ما را تهدید می‌کند مسأله ترک تحصیل دانش‌آموزان در مقطع دبیرستان می‌باشد. علاوه بر فقر مالی که به اشتغال کودکان و نوجوانان منجر می‌شود، فقر انگیزشی نیز نقش مهمی ایفا می‌کند (متقی، یزدی، بنی جمالی و درویره، ۱۳۹۳). از طرفی اهمیت انگیزش در یادگیری به اندازه‌ای است که حتی می‌تواند کاستی‌های موجود در توانایی و استعداد افراد را جبران کند (سیرز و دورنی ۲۰۰۵، ۳۲). بنابراین، با ایجاد شرایطی که انگیزش دانش‌آموزان را برای یادگیری افزایش دهد و این انگیزش پایدار بماند، می‌توان به بهبود یادگیری و کاهش آمار ترک کنندگان تحصیل امیدوار شد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که معلم برای جلب توجه دانش‌آموزان، می‌تواند از طرح سؤال، روش‌های متنوع و جذاب تدریس، رسانه‌های مختلف آموزشی و در زمان‌هایی که احساس می‌کند دانش‌آموزان دچار کسالت و خستگی شده‌اند، از طنز و شوخی و یا بازی استفاده کند. در واقع معلم با استفاده از این روش‌ها با ایجاد تنوع، شور و نشاط را در کلاس به وجود می‌آورد و کلاس را از یکنواختی و کسالت رهایی می‌بخشد و باعث می‌شود دانش‌آموزان با توجه، تمرکز و رغبت به درس گوش سپارند. هم‌چنین برای تحریک دانش‌آموزان به فراگیری، معلم می‌تواند از طریق تحریک حس کنجکاوی، رقابت سالم، تعیین جایزه و امتیاز و یا استفاده از جملات تحریک‌کننده و تأثیرگذار، در دانش‌آموزان ایجاد انگیزه کند. در طراحی انگیزشی کلر ۱۹۹۹،

جلب توجه دانش‌آموزان اولین عامل در ایجاد انگیزه می‌باشد که تا حد زیادی با پژوهش حاضر هم‌خوانی دارد. کمر اقداماتی هم- چون ناهماهنگی و تضاد، عینی سازی، تنوع، شوخ طبعی، پرسشگری و مشارکت فعال را در جلب توجه دانش‌آموزان مؤثر می- داند. هم‌چنین حبیبی (۱۳۹۰)، نیز در تحقیقات خود، به نقش استفاده از روش تدریس مناسب در ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان پرداختند. آنان استفاده از روش تدریس مناسب را عاملی مهم در جلب توجه دانش‌آموزان و در نتیجه یادگیری بیشتر و افزایش انگیزه در دانش‌آموزان می‌دانند، که با پژوهش حاضر همسو می‌باشد. نتایج پژوهش نشان داد؛ معلم این کار را با ۴ اقدام کلی می- تواند انجام دهد. ۱- استفاده از تشویق ۲- بالا بردن اعتماد به نفس دانش‌آموزان ۳- بالا بردن آگاهی دانش‌آموزان ۴- درگیر کردن دانش‌آموزان نقش و اهمیت تشویق برهیچ کس پوشیده نیست. مخصوصاً اگر این تشویق در برابر جمع و در حضور هم‌سالان و یا والدین آنان صورت گیرد. یادآوری رفتارهای مثبت دانش‌آموزان، ارفاق نمره و یا دادن امتیاز مثبت هم‌چنین دانستن علایق دانش- آموزان و استفاده از آن برای تشویق باعث برقراری ارتباط خوب با دانش‌آموز می‌شود و پذیرش دانش‌آموز را برای یادگیری مطالب جدید افزایش می‌دهد و تداوم انگیزه را موجب می‌شود.

تشویق یکی از روش‌های قرآن برای ایجاد انگیزه استاز جمله اساسی‌ترین نکاتی که در تشویق باید به آن توجه کرد، رعایت اعتدال و تشخیص موارد اعمال آن است. علی(ع) در سخنی حکمت‌آمیز به این اصل اساسی اشاره فرموده است: *"الْثَنَاءُ بِأَكْثَرِ مِنَ الْإِسْتِحْقَاقِ مَلَقٌ وَالْتَقْصِيرُ عَنِ الْإِسْتِحْقَاقِ عَى أَوْ حَسَدٌ؛ ستایش بیش از اندازه استحقاق، چاپلوسی است و کمتر از مقدار شایستگی فرد، عجز ناتوانی یا حسد است"* (اخلاقی، ۱۳۹۰). استفاده از تشویق، منطبق با نظریه‌های رفتارگرایان می‌باشد و با نظریه تقویت و انگیزش و هم‌چنین با نظریه شناختی - اجتماعی بندورا که یکی از منابع ایجاد کفایت را استفاده از اغوا و تشویق کلامی می‌داند، هم‌خوان است.

یکی دیگر از اقداماتی که در ایجاد و تداوم انگیزه دانش‌آموزان می‌تواند مؤثر باشد، اقداماتی است که آگاهی‌دهنده می‌باشد. در این راستابورن، هیرش و کری^{۳۳} (۲۰۱۷)، در مقاله خود با عنوان "آموزش انگیزشی؟ برنامه‌ای برای آن وجود دارد!" از برنامه‌های کاربردی تلفن همراه، به منظور افزایش انگیزه و تعامل دانش‌آموزانی که دارای معلولیت‌های یادگیری یا اختلالات رفتاری می‌باشند، استفاده می‌کنند. این برنامه‌ها با استراتژی‌های خاصی مطابقت دارد. سه استراتژی مطرح شده در این مقاله شامل: چالش، زمینه و کنترل می‌باشد.

اگر برای هر شخصی هدفی تعیین شود، افراد جهت نیل به اهداف تعیین شده برانگیخته می‌شوند. در واقع افراد هدفمند، بیشتر و دقیق‌تر از اهداف بی‌هدف تلاش می‌کنند. هم‌چنین، افراد با اهداف رقابتی و مبارزه طلبانه، نسبت به افرادی که دارای اهداف ساده و سهل هستند، بیشتر تلاش و فعالیت می‌کنند. (سید جوادین، ۱۳۸۶).

از دیگر اقداماتی که برای تداوم انگیزه ی دانش‌آموزان می‌تواند صورت گیرد، درگیر کردن آنان با موضوع درس می‌باشد؛ به طوری که به موضوع تدریس بیندیشند، به آن علاقه‌مند شوند و اطلاعات خود را در این زمینه افزایش دهند در این راستا ناکرمن و هو^{۳۴} (۲۰۱۱)، در پژوهشی با عنوان "تاثیر نوع برنامه درسی بر نتایج آموزشی و انگیزشی دانشجویان بازاریابی با سبک‌های

³³ - Bruhn, Hirsch, & Vogelgesang, K.

³⁴ - Ackerman & Hu

مختلف یادگیری" بیان می‌کند که بسیاری از معلمان، طرفدار استفاده از روش یادگیری فعال به منظور انگیزه دادن دانشجویان برای یادگیری می‌باشند. نتایج یک آزمایش بر روی دانشجویان بازاریابی نشان داد که دوره‌هایی که به طور مداوم از روش یادگیری فعال استفاده می‌کردند، نسبت به دوره‌هایی که از روش یادگیری غیر فعال برای دانشجویان مستقل بهره می‌بردند، رتبه بسیار بالاتری در نتایج یادگیری و انگیزش دانشجویانشان دریافت کردند. پیتریچ، اسمیت، گارسیا و مک کیجی، (۱۹۹۱)، معتقدند یادگیری خودتنظیمی زمانی اتفاق می‌افتد که افراد به صورت فعال در حیطه‌های انگیزشی و یادگیری خودشان مشارکت کنند. آنان یادگیری خودتنظیمی را نوعی یادگیری می‌دانند که در آن دانش‌آموزان به جای آن که برای کسب مهارت و دانش بر معلمان، والدین و دیگر عوامل آموزشی تکیه کنند، شخصاً کوشش‌های خود را شروع و هدایت می‌کنند. وقتی دانش‌آموزان حس لذت و رضایت را درک کنند دیگر نیازی نیست که آنان را برای یادگیری برانگیزانی مدر این راستا کول و هیلیرد^{۳۵} (۲۰۰۶)، در پژوهش خود با عنوان "تاثیر برنامه درسی خواندن بر روی عملکرد و انگیزش خواندن بود. نتایج نشان‌دهنده هم‌بستگی معنی دار بین عملکرد خواندن و انگیزش دانش‌آموزان بود و تفاوت‌های کیفی در انگیزش و درگیری دانش‌آموزانی که تحت آموزش وب قرار گرفتند، مشاهده شد چنان‌که حس خودکارآمدی و شایستگی در دانش‌آموزان نیز باعث ماندگاری انگیزه در آنان می‌شود. ارتقا حس کفایت و شایستگی دانش‌آموزان منطبق با نظریه‌های انسان‌گرایانه هم‌چون نظریه مازلو^{۳۶} ۰۹۹۶ می‌باشد. انسان‌گرایان برای ایجاد انگیزش، بر تقویت و تنبیه تأکید ندارند، بلکه بیشتر به خود انسان و توانایی‌های ویژه‌ای که دارد توجه دارند و معتقدند که ویژگی‌های مثبت وجودی انسان مانند عزت نفس، خودمختاری و شایستگی را باید در دانش‌آموزان افزایش بدهیم. در واقع از نظر نظریه پردازان، افراد زمانی به تجربه کردن انگیزش درونی علاقه نشان می‌دهند که احساس شایستگی و خود – تعییتی کنند. این دو ادراک از خود، در واقع اجزایی از یک موضوع واحد می‌باشند. بدین ترتیب، اگر افراد دریابند که در موقعیت معینی قادر به عملکردی موفقیت‌آمیز هستند (اسچانک^{۳۷}، ۱۹۸۹) و می‌توانند موقعیت را به طور معنا داری کنترل و تنظیم کنند (وایز و کامرون^{۳۷}، ۱۹۸۵)، بیشتر احتمال دارد از لحاظ درونی برانگیخته شوند. نظریه انتظار معلم، نظریه شناختی – اجتماعی، نظریه اسناد، نظریه تکلیف درگیری در برابر خود درگیری و نظریه خودگردان. بندورا^{۳۷}، ۱۹۹۴، معتقد است که افرادی که دارای حس قوی خود-کارآمدی باشند: به مسائل چالش‌برانگیز به صورت مشکلاتی که باید بر آن‌ها غلبه کرد، می‌نگرند. علاقه عمیق‌تری به فعالیت‌هایی که در آن‌ها مشارکت دارند، نشان می‌دهند. تعهد بیشتری نسبت به علایق و فعالیت‌هایشان حس می‌کنند. و به سرعت بر حس یأس و نوسیدی چیره می‌شوند.

عدم آراستگی معلم نیز از اقداماتی است که از برقراری ارتباط مناسب با دانش‌آموزان جلوگیری می‌کند. همسو با این نتایج متقی و همکاران (۱۳۹۳)، در پژوهشی، نقش واسطه‌ای انگیزش خود تعیین‌گری و عملکرد تحصیلی در رابطه معلم – دانش‌آموز و تصمیم به ادامه یا ترک تحصیل را مورد بررسی قرار دادند. نتایج این بررسی نشان داد که با بهبود روابط معلم دانش‌آموز، ضمن افزایش انگیزش و بهبود عملکرد دانش‌آموز می‌توان تصمیم به ترک تحصیل را در دانش‌آموزان کاهش داد

³⁵ - Cole & Hilliard

³⁶ - Schunk

³⁷ - Weisz & Comeron

دومین محوری که در رابطه با اقدامات ضدانگیزشی معلمان از مصاحبه‌های دانش‌آموزان استخراج شد، اقداماتی است که باعث احساس عدم کفایت در دانش‌آموزان می‌شود. رفتار دانش‌آموزان میزان احساس خودکارآمدی آن‌ها را نشان می‌دهد، نمونه‌ای از تعامل شخصی محیطی در دانش‌آموزانی که ناتوانی در یادگیری دارند نیز مشاهده می‌شود که اکثر آن‌ها احساس می‌کنند که لیاقت و شایستگی انجام کارها را ندارند (لیچت و کستینر، ۱۹۸۶). بندورا ۱۹۹۴ اظهار می‌دارد؛ کسانی که حس خود-کارآمدی ضعیفی داشته باشند: از کارهای چالش‌برانگیز اجتناب می‌کنند.

همان‌طور که کاملاً مشهود است، عوامل موثر در کاهش و یا از بین رفتن انگیزه در دانش‌آموزان بیشتر به رفتارهای ناشایست معلم در برخورد با دانش‌آموزان مربوط می‌شود. تمام رفتارها و اعمال و گفتار معلم در معرض دید و قضاوت دانش‌آموزان قرار دارد. در این راستا تلا^{۳۸} (۲۰۰۷)، در تلاش برای بهبود پیامدهای شناختی و عاطفی جست‌وجوی پیوسته‌ای را برای متغیرها و عوامل (فردی و محیطی) انجام داد که با دستکاری آن‌ها می‌توان نتایج مطلوبی را در تحصیل فراهم آورد. نتایج نشان داد، دانش-آموزانی که از انگیزش بالاتری برخوردار بودند در مقایسه با دانش‌آموزان کم انگیزه، عملکرد تحصیلی بهتری داشتند که یکی از عوامل ایجاد انگیزه خود معلم است.

از طرفی محبوبیت معلم نیز نقش بسیار مهمی در ایجاد و افزایش انگیزه در دانش‌آموزان دارد. چه بسا دانش‌آموزانی که فقط به صرف دوست داشتن معلم، به درس و یا رشته‌ی خاصی علاقمند شدند و به خاطر معلم سعی و تلاش کردند و عقب افتادگی تحصیلی خود را جبران نمودند. پس نقش حساس معلم، آنان را ناگزیر می‌کند با بهبود صلاحیت و توانایی‌های فنی خود (علم و مهارت در درس مورد آموزش)، صلاحیت و توانایی حرفه‌ای خود (آگاهی از برنامه‌ریزی، ارائه و ارزیابی آموزشی) و صلاحیت شخصی (ویژگی‌های شخصی و رفتاری موثر در فرایند تعلیم و تربیت)، در جذب دانش‌آموزان بکوشند و با بهره‌گیری از پژوهش‌ها و نظریه‌های ارائه‌شده در زمینه انگیزش، دانش خود را در این زمینه افزایش داده و در جهت ایجاد و بالا بردن انگیزه در دانش‌آموزانشان بکوشند.

پیشنهادهای پژوهشی:

۱- در این پژوهش به بررسی تجربیات و ادراکات دانش‌آموزان در خصوص اقدامات انگیزشی و ضدانگیزشی معلمان پرداخته شده است؛ لذا پیشنهاد می‌شود که به بررسی ادراک و تجربه زیسته معلمان نیز در خصوص اقداماتی که باعث افزایش و یا کاهش انگیزه در دانش‌آموزان می‌شود نیز، پرداخته شود.

۲- جهت آگاهی از این که اقدامات انگیزشی و ضدانگیزشی موثر بر دانش‌آموزان دختر بر دانش‌آموزان پسر نیز همان تاثیر را دارد؛ بهتر است پژوهشی مشابه در دبیرستان پسرانه صورت گیرد؛ تا اثر جنسیت بر انگیزش نیز مورد مطالعه قرار گیرد.

پیشنهادهای کاربردی

- ۱- نتایج نشان داد تدریس نامطلوب عدم کفایت در دانش آموزان را به همراه دارد. توصیه می شود معلمان از روش های متنوع در آموزش و توسعه و طراحی راهبردهای یادگیری موثر جهت ایجاد خوش بینی و افزایش انگیزه استفاده کنند.
 - ۲- همچنین تبعیض قائل شدن و نادیده گرفتن زحمات و پیشرفت دانش آموزان در ارزیابی ها بی اعتمادی دانش آموزان را در پی خواهد داشت. توصیه می شود معلمان در ارزیابی دقت عمل داشته و عدالت در ارزشیابی ها را در نظر داشته باشند.
 - ۳- یافته ها نشان داد معلمان جهت ایجاد انگیزه از تحریک دانش آموزان و از جملات تأثیرگذار و هشدار دهنده استفاده می کنند. به معلمان توصیه می شود راهکارهای موثر و کارآمدی را در جهت ایجاد انگیزه در دانش آموزان ارائه دهند.
 - ۴- همچنین نتایج نشان داد که درگیر سازی دانش آموزان انگیزش تحصیلی را تداوم می بخشد. توصیه می شود معلمان هر چه بیشتر در جهت فراهم کردن زمینه مشارکت دانش آموزان در فعالیت های آموزشی کوشش نمایند.
 - ۵- یافته ها نشان داد که ایجاد انگیزه در دانش آموزان و نقش آن در تثبیت یادگیری اقدام مهمی از سوی معلم است. به معلمان توصیه می شود ؛ ضمن توجه به انگیزش درونی نسبت به انگیزش بیرونی، راهبردهایی موثری داشته باشند.
 - ۶- نتایج حاکی از آن است که اهمیت ندادن به دانش آموزان یکی از موانع مهم ارتباط بین معلم - دانش آموزان است توصیه می شود معلمان به راه حل های جدید دانش آموزان اهمیت دهند و در مواجهه با احساسات دانش آموزان تدابیر مناسبی داشته باشند.
- علاوه بر موارد بالا به منظور افزایش انگیزش تحصیلی تقویت انجمن ها علمی و برگزاری نشت های مختلف، درگیر کردن دانش آموزان در برنامه های تحقیقاتی به منظور افزایش احساس کارآمدی انگیزش، اعطای استقلال در تعیین اهداف در یادگیری، واگذاری مسولیت های مختلف به دانش آموزان، پویا کردن فضای آموزشی و در گیری گرو های دانش آموزشی از طریق اجرای برنامه های علمی، آموزشی و تفریحی مختلف پیشنهاد می گردد.

- اخلاقی، عبدالرحیم (۱۳۹۰). نگاهی به روش تشویق در ایجاد انگیزه از دیدگاه قرآن، مجله اسلام و پژوهش های مدیریتی، (۱)، صص ۱۵۲-۱۲۷.
- اسپالدینگ. چریل. ال (۱۳۷۷). انگیزش در کلاس درس، مترجم: اسماعیل بیابانگرد و محمدرضا نائینیان.
- اسپالدینگ. چریل. ال (۱۳۸۷). انگیزش در کلاس درس، مترجم: حسین یعقوبی، ایرج خوش خلق، تبریز: انتشارات تربیت معلم.
- ایدر، امیر محمد؛ حسنس ساطحی، رضا؛ قنبری، موسی و حسینی، اشکان (۱۳۹۶). تاثیر انگیزش و درگیر نمودن دانش آموزان در تثبیت یادگیری و تدریس، سومین کنفرانس سراسری دانش و فناوری علوم تربیتی مطالعات اجتماعی و روان شناسی.
- پانپی، افسانه؛ کر، صدیقه و جوینی، علی (۱۳۹۶). ایجاد انگیزه در فرایند تدریس و تاثیر آن در تثبیت یادگیری دانش آموزان. اولین همایش ملی علوم اجتماعی، علوم تربیتی، روان شناسی و امنیت اجتماعی، تهران، دانشگاه طه - معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری کل استان البرز.

- حبیبی، ملوک (۱۳۹۰). نقش روش تدریس فعال معلمان در هندسه (با مدل ون هیلی) در افزایش انگیزش و یادگیری دانش‌آموزان دوره ابتدایی، فصل‌نامه مشاوره شغلی و سازمانی، (۱۴)، صص ۱۰۵-۸۴.
- سید جوادین سید رضا (۱۳۸۶). مبانی سازمان و مدیریت، تهران: نگاه دانش.
- سیف، علی اکبر (۱۳۸۸). روان‌شناسی پرورشی نوین، روان‌شناسی یادگیری و آموزش، تهران: دوران.
- طاهری، ژاله (۱۳۸۹). عوامل موثر در الگوی مناسب باورهای انگیزشی دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران، (۴۸)، صص ۶۶۲-۸۳.
- عباس‌زاده، محمد؛ علیزاده اقدم، محمدباقر و کوهی، کمال (۱۳۸۷). عوامل اجتماعی - فردی موثر بر انگیزش تحصیلی - در
- کاوه، محمد حسین (۱۳۸۹). انگیزش و یادگیری. فصلنامه دانشگاهی یادگیری الکترونیکی (مدیا)، (۱)، ۱..
- متقی، شکوفه؛ یزدی، سیده‌منور؛ بنی‌جمالی، شکوه‌السادات و درویره، زهرا (۱۳۹۳). ارتباط معلم - دانش‌آموز و تصمیم به ادامه یا ترک تحصیل: نقش واسطه‌ای: نقش واسطه‌ای انگیزش خود تعیین‌گری و عملکرد تحصیلی، پژوهش در نظام‌های آموزشی، (۲۷)، صص ۵۸-۳۵.
- محمدی، صابر (۱۳۹۰). بررسی نقش انگیزش در تعلیم و تربیت دانش‌آموزان، تهران: جام‌جم.
- مصیبی، بهاره و صادقی نیا، علیرضا (۱۳۹۴). بررسی عوامل موثر در میزان انگیزه دانش‌آموزان و تاثیر آن بر میزان یادگیری، دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روان‌شناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی.
- یوسفی، علیرضا؛ قاسمی، غلامرضا و فیروزنیا، سمانه (۱۳۸۸). ارتباط انگیزش تحصیلی با پیشرفت تحصیلی دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، (۱)، صص ۸۵-۷۹.
- Ackerman, D. S., & Hu, J. (2011). *Effect of Type of Curriculum on Educational Outcomes and Motivation Among Marketing Students With Different Learning Styles. Journal of Marketing Education*, 33(3), 273-284.
- Aims, I. (1984). *Achievement Attributions and self- Instructions under competitive and Individualist Structures. Journal of Educational Psychology*, No. 76, 142-159
- Bong, M. (2009). *Age-related differences in achievement goal differentiation. Journal of Educational Psychology*, 104, 879-896.
- Bruhn, A., Hirsch, S., & Vogelgesang, K. (2017). *Motivating Instruction? There's an App for That! Intervention in School and Clinic*, 52(3), 163-169.
- Cole, J. M., & Hilliard, V. R. (2006). *The Effects of Web-Based Reading Curriculum on Children's Reading Performance and Motivation. Journal of Educational Computing Research*, 34(4), 353-380.

- Criss, E. (2011). *Dance All Night: Motivation in Education*. *Music Educators Journal*, 97(3), 61–66.
- Deci, E. L., Koestner, R., & Ryan, R. M. (2001). *Extrinsic Rewards and Intrinsic Motivation in Education: Reconsidered Once Again*. *Review of Educational Research*, 71(1), 1–11.
- Deci, E., & Ryan, R. (1985). *Intrinsic Motivation and Self-Determination in Human Behavior*. New York: Plenum Press.
- Dickhauser, C., Buch, S., & Dickhauser, O. (2011). *Achievement after failure: The role of achievement goals and negative self-related thoughts*. *Learning and Instruction*, 21(1), 152-162.
- Dusek, J. B. (2000). *The development of test anxiety in children*. In I. G. Sarason (Ed.), *Test anxiety: Theory, research, and applications*. Hillsdale, NJ: Erlbaum, 87-110.
- Dweck, C. S., & Leggett, E. L. (1988). *A social cognitive approach to motivation and personality*. *Journal of Psychological Review*, 95, 256-273.
- Elliot, A. J. (1999). *Approach and avoidance motivation and achievement goals*. *Journal of Educational Psychologist*, 34, 169-189.
- Hanchon, T. A. (2010). *The relation between perfectionism and achievement goals*. *Journal of Personality and Individual Differences*, 49, 885-890.
- Hansenne M, Bianchi J. (2014). *Emotional intelligence and personality in major depression: Trait versus state effects*. *Psychiatr Res* 2014; 63-8.
- Liem, A. D., Lau, S., & Nie, Y. (2008). *The role of self-efficacy, task value, and achievement goals in predicting learning strategies, task disengagement, peer relationship, and achievement outcome*. *Journal of Contemporary Educational Psychology*, 33, 486-512.
- Linehan M. (2015). *Cognitive-behavioral treatment of borderline personality disorder*. New York: Guilford;2015: 1-25.
- Luo, W., Hogan, D., & Paris, S. G. (2011). *Predicting Singapore students' achievement goals in their English study: Self-Constraint and classroom goal structure*. *Journal of Learning and Individual Differences*, 3, 1-10.
- Muñoz, A., & Ramirez, M. (2015). *Teachers' conceptions of motivation and motivating practices in second-language learning: A self-determination theory perspective*. *Theory and Research in Education*, 13(2), 198–220.
- Pintrich, P. R., Smith, D. A., Garcia, T., & McKeachie, W. (1991). *A manual for the use of the motivated strategies for learning questionnaire (MSLQ)*. University of Michigan, National Center for Research to Improve Postsecondary Teaching and Learning, Ann Arbor, MI.
- Stipek, D. J. (2008). *Motivation to learn: From theory to practice (4th ed.)*, Boston, Allyn & Bacon.
- Tella A. (2007). *The Impact of Motivation on Student's Academic Achievement and Learning Outcomes in Mathematics among Secondary School Students in Nigeria*; *Eurasia Journal of Mathematics, Science & Technology Education*, 3(2), 149-156.

- Utsey, C.J. (2006). *Differences in motivational beliefs and learning strategies of physical therapist students in classroom and clinical settings* (Dissertation of Doctor of Philosophy). Houston University.
- Zeidner, M. (1988). *Test anxiety: the state of the art*. New York: Plenum.
- Zimmerman, B. J., & Martincz-Pons, M. (1992). *Self regulation learning*. *Journal of Educational Psychology*, 108(3), 253-289..
- Bruce, W.T., Dennis, A. A., and Dennis R.S. (2007). *Learning and Motivation strategies: Your Guide to success*. Pearson Education.
- Chiu, L.-H. (1997). *Development and Validation of the School Achievement Motivation Rating Scale*. *Educational and Psychological Measurement*, 57(2), 292–305.
- Jovanovic, D., & Matejevic, M. (2014). *Relationship between rewards and intrinsic motivation for learning*. *Social and behavioral sciences*, 149, 456- 460.
- Schunk, D., & Zimmerman, B. (1994). *Self- regulation of learning and performance: Issues and educational applications*. Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Sengodan, V., & Iksan, Z.H. (2012). *Students` learning styles and intrinsic motivation in learning mathematics*. *Asian Social Science*, 8(16), 17-23.
- Wolters, G. A. (1998). *Self- regulated learning and college students regulation of motivation*. *Journal of Educational Psychology*, No.90, 224-235.
- Wells A. (1995). *Meta-cognition and worry: A cognitive model of generalized anxiety disorder*. *Behav Cognit Psychother*; 23: 301-20
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2012). *Motivation, personality, and development within embedded social contexts: An overview of self- determination theory* .In R. M. Ryan (Ed), *Oxford handbook of human motivation*. Oxford, UK: Oxford University Press. 85-107.
- Flick, Uwe (2006). *An Introduction to Qualitative research*. Sage Publication LTD.
- Fuertes, A. M. D. C., Blanco Fernández, J., García Mata, M. D. L. Á., Rebaque Gómez, A., & Pascual, R. G. (2020). *Relationship between personality and academic motivation in education degrees students*. *Education Sciences*, 10(11), 327
- Graciani Hidajat, H., Hanurawan, F., Chusniyah, T., & Rahmawati, H. (2020). *Why I'm Bored in Learning? Exploration of Students' Academic Motivation*. *International Journal of Instruction*, 13(3), 119-136.
- Hands, C., & Limniou, M. (2023). *Diversity of Strategies for Motivation in Learning (DSML)—A New Measure for Measuring Student Academic Motivation*. *Behavioral Sciences*, 13(4),
- King, N., & Bunce, L. (2020). *Academics' perceptions of students' motivation for learning and their own motivation for teaching in a marketized higher education context*. *British Journal of Educational Psychology*, 90(3), 790-808.
- Koyuncuoglu, Ö. (2021). *An Investigation of Academic Motivation and Career Decidedness among University Students*. *International Journal of Research in Education and Science*, 7(1), 125-143.

Lived experiences of students regarding teachers' motivational and anti-motivational actions in the teaching-learning process

Abstract

the present study was conducted with the aim of examining the students Live Experiences regarding their teachers' motivational actions in the Instructional-Learning Processes. The research approach was qualitative and its method was phenomenological study. The research population included Imam Reza's (Imam Reza) girl's school in the Tabadkan area of Mashhad; the research sample included students from the 7th, 8th and 9th grade high school students. For data collection, semi-structured interviews were used to reach theoretical saturation. Analyzing data was performed by Strauss & Corbin Three Phases Coding Theory (GT). The validity of the research was verified by participants' examination, second rater (coder) and the negative analysis were used. Findings indicated that teachers' motivational actions include three stages of motivation, persistence of motivation and durability of motivation; and the measures that reduce motivation in students are: actions that cause lack of proper communication, actions that It causes feelings of inadequacy and competence in students and actions that cause distrust in students.

Key words: Live Experiences, Motivational actions Motivational and antimotivational, Instructional-Learning Processes.